



The Role of Jurisprudential Rules in Criminal Policy on the Management of Cryptocurrencies; An Approach to Preventing Money Laundering

Mojtaba Goudarzi¹, Mahdi Khaghani Esfahani^{2*}, Mohammad Ali Kanani³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran. Email: mgoodarzi359@gmail.com

2. Department of Criminal Law and Jurisprudence, The Institute for Research and Development in Humanities (SAMT), Tehran, Iran. (Corresponding Author): khaghani@samt.ac.ir

3. Department of Criminal Law and Criminology, Roodhen Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: dr.kanani110@gmail.com

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 31-52

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2782-6112

Email: khaghani@samt.ac.ir

Article history:

Received: 11 Sep 2025

Revised: 16 Nov 2025

Accepted: 20 Jan 2026

Published online: 21 Mar 2026

Keywords:

Jurisprudential principles, criminal policy, cryptocurrencies, money laundering, comparative criminal jurisprudence, no harm rule, barrier of means.

ABSTRACT

The increasing use of cryptocurrencies as a new financial tool has created numerous challenges in the legal and jurisprudential systems of countries. In Iran, these challenges are due, on the one hand, to legal gaps in the management of this technology and, on the other hand, to jurisprudential complexities in the legitimacy or illegitimacy of the use of cryptocurrencies. In the meantime, the phenomenon of money laundering using cryptocurrencies has become one of the serious risks to the economy and national security. This article, emphasizing the comparative approach in criminal jurisprudence and utilizing jurisprudential principles such as the rules of "no harm", "barrier of means" and "contribution to sin", analyzes the position and role of these principles in Iran's criminal policy for managing cryptocurrencies and preventing related abuses.

The purpose of the research is to identify the capacities of jurisprudential principles in strengthening Iran's criminal policy framework for regulating cryptocurrencies and providing solutions to prevent money laundering. The research method is descriptive-analytical with a comparative approach and jurisprudential, legal and legal sources are used to provide comprehensive analyses. The findings of this study show that jurisprudential principles can provide a strong theoretical basis for regulating and formulating criminal laws specific to cryptocurrencies. The "do no harm" rule can be a justification for intervention in opaque cryptocurrency markets, while the "barrier of means" as a preventive tool has significant capacity to combat cryptocurrency money laundering. Also, comparing jurisprudential principles with similar examples in Islamic countries shows that the use of jurisprudential principles in criminal policy can contribute to more precise regulation and more efficient prevention.



This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Khaghani Esfahani, M., Goudarzi, M. & Kanani, M. A (2026). "The Role of Jurisprudential Rules in Criminal Policy on the Management of Cryptocurrencies; An Approach to Preventing Money Laundering". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(1): 31-52.



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir

شاپا الکترونیکی: 2980-860X



فصلنامه فقه برای تطبیق

دوره ششم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

نقش قواعد فقهی در سیاست جنایی مدیریت رمزارزها؛ رهیافتی به پیشگیری از پول شویی

مجتبی گودرزی^۱، مهدی خاقانی اصفهانی^{۲*}، محمدعلی کنعانی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌الملل کیش، کیش، ایران.
۲. عضو هیأت علمی گروه حقوق و فقه پژوهش‌کننده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)
۳. عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

چکیده

رشد روزافزون استفاده از رمزارزها به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین مالی، چالش‌های متعددی در نظام حقوقی و فقهی کشورها ایجاد کرده است. در ایران، این چالش‌ها از یک سو به خلأهای قانونی در مدیریت این فناوری و از سوی دیگر به پیچیدگی‌های فقهی در مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از رمزارزها بازمی‌گردد. در این میان، پدیده پول شویی با استفاده از رمزارزها به یکی از مخاطرات جدی برای اقتصاد و امنیت ملی تبدیل شده است. این مقاله با تأکید بر رویکرد تطبیقی در فقه جزا و با بهره‌گیری از اصول فقهی نظیر قواعد «لاضرر»، «سد ذرایع» و «اعانه بر اثم»، به تحلیل جایگاه و نقش این اصول در سیاست جنایی ایران برای مدیریت رمزارزها و پیشگیری از سوءاستفاده‌های مرتبط می‌پردازد. هدف پژوهش، شناسایی ظرفیت‌های اصول فقهی در تقویت چارچوب سیاست جنایی ایران برای تنظیم‌گری رمزارزها و ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری از پول شویی است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی بوده و از منابع فقهی، قانونی و حقوقی برای ارائه تحلیل‌های جامع بهره گرفته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اصول فقهی می‌توانند مبنای نظری قوی برای تنظیم‌گری و تدوین قوانین کیفری ویژه رمزارزها فراهم کنند. قاعده «لاضرر» می‌تواند توجیهی برای مداخله در بازارهای غیرشفاف رمزارز باشد، درحالی‌که «سد ذرایع» به‌عنوان ابزاری پیشگیرانه، ظرفیت قابل‌توجهی برای مقابله با پول شویی رمزارزی دارد. همچنین، تطبیق قواعد فقهی با نمونه‌های مشابه در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که استفاده از اصول فقهی در سیاست جنایی می‌تواند به تنظیم‌گری دقیق‌تر و پیشگیری کارآمدتر کمک کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۱-۵۲

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۶۱۱۲-۶۲۷۸۲-۳۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

ایمیل: khaghani@samt.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

اصول فقهی، سیاست جنایی، رمزارزها، پول شویی، فقه جزای تطبیقی، قاعده لاضرر، سد ذرایع.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

ظهور فناوری‌های نوین مالی و گسترش فزاینده استفاده از رمزارزها در مبادلات داخلی و بین‌المللی، چالش‌های جدیدی را در برابر نظام‌های حقوقی و اقتصادی قرار داده است. رمزارزها، به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور، از یک سو فرصت‌هایی برای تسهیل دسترسی به خدمات مالی و افزایش شفافیت در تراکنش‌های اقتصادی فراهم می‌کنند و از سوی دیگر، با تهدیداتی نظیر پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و فرار مالیاتی همراه هستند. در ایران، مدیریت و تنظیم‌گری رمزارزها نه تنها از منظر حقوقی، بلکه به دلیل حساسیت‌های فقهی و جنایی، اهمیتی دوچندان یافته است.

ابهامات موجود در مشروعیت فقهی مبادلات رمزارزی، به‌ویژه باتوجه‌به قواعدی نظیر "غرر"، "ربا" و "اکل مال به باطل"، همچنان از مسائل مورد بحث در جامعه علمی و فقهی است. درعین‌حال، ظرفیت اصول فقهی نظیر "قاعده لاضرر" و "سد ذرایع" برای مدیریت چالش‌های رمزارزها و پیشگیری از سوءاستفاده‌های مرتبط با آنها موردتوجه ویژه قرار گرفته است. این اصول می‌توانند چارچوبی مناسب برای طراحی سیاست جنایی ایران ارائه دهند که همسو با آموزه‌های فقهی باشد و درعین‌حال، پاسخ‌گوی مقتضیات اقتصادی و اجتماعی معاصر باشد.

سیاست جنایی ایران در قبال رمزارزها باید به‌گونه‌ای تدوین شود که ضمن استفاده بهینه از فرصت‌های اقتصادی این پدیده، از پیامدهای منفی آن نیز جلوگیری کند. تأکید بر اصول فقهی نه‌تنها می‌تواند به تنظیم‌گری کارآمد در این حوزه کمک کند، بلکه بستری برای پیشگیری از جرایم مرتبط، به‌ویژه پول‌شویی، فراهم می‌کند. در این زمینه، این پژوهش با تمرکز بر اصول فقهی "قاعده لاضرر"، "سد ذرایع" و "اعانه برائتم"، به دنبال ارائه راهکارهایی عملی برای مدیریت رمزارزها در چارچوب سیاست جنایی ایران است. فرضیه اصلی این پژوهش بر این مبنا استوار است که اصول فقهی، همچون "قاعده لاضرر"، "سد ذرایع" و "اعانه برائتم"، ابزارهای نظری و عملی لازم برای تقویت سیاست جنایی ایران در زمینه مدیریت رمزارزها و پیشگیری از

سوءاستفاده‌های مرتبط، به‌ویژه پول‌شویی، ارائه می‌دهند. این اصول می‌توانند به‌عنوان چارچوبی برای تدوین قوانین کیفری و سیاست‌گذاری‌های نظارتی در این حوزه به کار گرفته شوند.

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. ابتدا مبانی فقهی مرتبط با موضوع بررسی شده و سپس این مبانی با قوانین داخلی و نمونه‌های مشابه در سایر نظام‌های حقوقی اسلامی و بین‌المللی مقایسه می‌شوند. در این راستا، از منابع فقهی معتبر، قوانین کیفری ایران و ادبیات تطبیقی حقوقی بهره گرفته شده تا راهکارهایی عملی برای مدیریت چالش‌های ناشی از رمزارزها پیشنهاد شود. توجه به این موضوع نه‌تنها به روشن‌شدن ظرفیت‌های فقه جزای اسلامی برای مواجهه با پدیده‌های نوظهور مالی کمک می‌کند، بلکه امکان ارائه راهکارهای تطبیقی برای سیاست‌گذاری مؤثر در این زمینه را نیز فراهم می‌سازد.

۱- اصول فقهی و مبانی نظری

۱-۱- مفه‌های فقهی مرتبط

اصول فقهی، به‌عنوان مبانی نظری و ارزشی فقه اسلامی، در تنظیم و تبیین قواعد حقوقی و کیفری نقشی بنیادین دارند. این اصول، قواعدی کلی و فراگیر هستند که فقیهان و قانون‌گذاران از آنها برای استنباط احکام و تنظیم نظام‌های حقوقی و جنایی استفاده می‌کنند. در حوزه فقه جزا، اصول فقهی نقشی محوری در تدوین سیاست‌های جنایی ایفا می‌کنند و مبنایی برای طراحی قوانین کیفری متناسب با شرایط متغیر جامعه و مقتضیات عصر حاضر فراهم می‌کنند (میرخلیلی، ۱۴۰۲: ۱۱۲).

در ارتباط با مدیریت رمزارزها و پیشگیری از پول‌شویی، شناسایی و کاربرد اصول فقهی مرتبط می‌تواند چارچوبی نظری برای سیاست‌گذاری مؤثر ایجاد کند. از جمله این اصول، "قاعده لاضرر" است که بر اساس آن هرگونه فعالیت اقتصادی یا مالی که موجب ضرر به دیگران یا به جامعه شود، مشروعیت ندارد. این قاعده می‌تواند توجیه‌گر مداخله قانونی در مواردی باشد که استفاده از رمزارزها موجب آسیب‌های اقتصادی یا اجتماعی نظیر پول‌شویی می‌شود (حبیبی دهکردی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۲).

قاعده "اهم و مهم" یکی دیگر از اصول کلیدی است که اولویت‌گذاری میان مصالح و مفاسد را ممکن می‌سازد. بر اساس این قاعده، اگرچه فناوری رمزارزها ممکن است دارای مزایایی نظیر افزایش شفافیت یا تسهیل تبادلات مالی باشد، اما در صورتی که مخاطراتی چون پول شویی و جرایم اقتصادی دیگر بر این مزایا غلبه داشته باشد، محدودیت‌های قانونی و فقهی بر استفاده از رمزارزها قابل توجیه است (عیوضلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۷).

همچنین "قاعده حرمت اعانه برائتم" بر این نکته تأکید دارد که هرگونه مشارکت یا مساعدت در فرایندهای مالی که منجر به جرم شود، حرام است. از این منظر، توسعه یا استفاده از رمزارزها به گونه‌ای که بستر وقوع پول شویی یا جرایم دیگر را فراهم کند، نه تنها غیرمشروع، بلکه قابل تعقیب کیفری است (زند اقطاعی، ۱۳۹۸: ۸)؛ بنابراین، توسعه یا استفاده از رمزارزها به گونه‌ای که زمینه‌ساز ارتکاب جرایم اقتصادی شود، نه تنها غیرمشروع است، بلکه بر اساس قاعده «حرمت اعانه برائتم»، قابل تعقیب کیفری نیز می‌باشد.

این اصول به‌عنوان پایه‌های نظری سیاست جنایی ایران می‌توانند در طراحی قوانین و مقرراتی که هدف آن مدیریت رمزارزها و پیشگیری از سوءاستفاده‌های مرتبط است، نقش اساسی ایفا کنند.

۲-۱- جایگاه قواعد فقهی در سیاست جنایی

ایران

اصول و قواعد فقهی، به‌عنوان بنیان‌های نظری فقه اسلامی، نقشی تعیین‌کننده در تدوین و تنظیم قوانین کیفری در نظام حقوقی ایران دارند. این اصول، به‌ویژه در موضوعاتی که با چالش‌های نوظهور همچون رمزارزها مواجه‌اند، به سیاست‌گذاران امکان می‌دهند تا با استفاده از مبانی اسلامی، قواعدی متناسب با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وضع کنند. از جمله این موارد می‌توان به "قاعده لاضرر"، "قاعده سد ذرایع"، و "قاعده اعانه برائتم" اشاره کرد که هر یک به طور خاص قابلیت اعمال در سیاست جنایی مرتبط با رمزارزها را دارا هستند.

در تدوین قوانین کیفری مرتبط با رمزارزها، "قاعده لاضرر" نقشی محوری ایفا می‌کند. بر اساس این قاعده، هرگونه فعالیت اقتصادی یا مالی که موجب ضرر به جامعه یا افراد شود، باید محدود یا ممنوع گردد. از سوی دیگر، "قاعده سد ذرایع" بر این نکته تأکید دارد که هر اقدامی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم موجب وقوع جرم یا فساد شود، باید پیشگیری شود. این قاعده می‌تواند مبنایی برای نظارت بر تراکنش‌های رمزارزی به منظور پیشگیری از پول شویی فراهم کند (حیبی دهکردی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۸).

دیدگاه‌های فقهی درباره رمزارزها نیز به دلیل ماهیت نوظهور این فناوری، متنوع و گاه متناقض هستند. برخی از فقیهان استفاده از رمزارزها را به دلیل ابهام در مالکیت، احتمال وقوع غرر، و شبهات مربوط به ربا یا اکل مال به باطل، نامشروع می‌دانند. در مقابل، برخی دیگر با تأکید بر منافع اقتصادی و امکانات فناوری آن، استفاده از رمزارزها را تحت شرایطی قابل قبول می‌دانند.

در این میان، مبانی فقهی می‌توانند میان این دو دیدگاه توازن برقرار کرده و چارچوبی برای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری ارائه دهند. این اصول نه تنها امکان تنظیم‌گری متناسب با ارزش‌های اسلامی را فراهم می‌کنند، بلکه از طریق ارائه راهکارهای عملی، توان پیشگیری از آسیب‌های مرتبط با رمزارزها، نظیر پول شویی، را تقویت می‌کنند.

۳-۱- رویکرد تطبیقی در تحلیل قواعد فقهی

تحلیل تطبیقی قواعد فقهی و نقش آن‌ها در سیاست جنایی مرتبط با رمزارزها، بستری فراهم می‌آورد تا سیاست‌گذاری کیفری در ایران با توجه به تجربیات دیگر نظام‌های حقوقی اسلامی و بین‌المللی بهینه‌سازی شود. اصول فقهی در کشورهای اسلامی و در سیاست‌های حقوقی سایر کشورها، ابزارهایی مؤثر برای مقابله با چالش‌های نوظهور همچون پول شویی و جرایم مالی مرتبط با رمزارزها ارائه کرده‌اند.

۱-۳-۱- بررسی تطبیقی با نظام‌های حقوقی اسلامی

در کشورهای اسلامی همچون مالزی، پاکستان، و عربستان سعودی، قواعد فقهی نظیر "قاعده لاضرر" و "سد ذرایع" مبنای رویکردهای سیاست‌گذاری در حوزه رمزارزها قرار گرفته‌اند. برای مثال، در مالزی، با اتکا به فقه شافعی، چارچوب‌هایی برای مشروعیت استفاده از رمزارزها تدوین شده است که تأکید ویژه‌ای بر جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی دارند. این موارد، هم‌زمان به انعطاف‌پذیری در تطبیق با فناوری‌های نوین توجه دارند و معیارهایی برای ارزیابی تراکنش‌های رمزارزی ارائه کرده‌اند (ابو حسین، ۲۰۱۹: ۱۱).

در عربستان سعودی، فقه حنبلی به دلیل تأکید بر جلوگیری از "غرر" و "اکل مال به باطل"، رمزارزها را به طور محدود پذیر پذیرفته است. این رویکرد، بر استفاده مشروط و نظارت دقیق تأکید دارد. پاکستان نیز با بهره‌گیری از فقه حنفی و اصل "مصلحت عمومی"، سیاست‌هایی مبتنی بر حفظ منافع اقتصادی و کاهش آسیب‌های اجتماعی تدوین کرده است (نفیس و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۰).

۱-۳-۲- بررسی تطبیقی با نظام‌های حقوقی بین‌المللی

در سطح بین‌المللی، نظام‌های حقوقی سکولار نظیر اتحادیه اروپا و ایالات متحده بر پایه اصولی چون شفافیت مالی، مسئولیت‌پذیری، و پیشگیری از پول‌شویی، مقرراتی برای مدیریت رمزارزها وضع کرده‌اند. این اصول با مفاهیم فقهی همچون "قاعده لاضرر" و "قاعده اعانه برائتم" شباهت‌های ساختاری دارند. برای مثال، استانداردهای مالی اتحادیه اروپا^۱ (نظیر مقررات AMLD5) بر شناسایی کاربران و مقابله با تراکنش‌های غیرقانونی تأکید دارند که این امر با "قاعده سد

ذرایع" در فقه اسلامی قابل تطبیق است (فیضی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱). مقایسه نظام‌های حقوقی نشان می‌دهد که قواعد فقهی نظیر "قاعده لاضرر" و "قاعده سد ذرایع" می‌توانند چارچوب‌هایی منسجم و قابل تطبیق برای مدیریت رمزارزها و پیشگیری از پول‌شویی ارائه دهند. تجربیات کشورهای اسلامی و رویکردهای بین‌المللی می‌توانند الگویی مؤثر برای ایران در تدوین سیاست جنایی مبتنی بر فقه امامیه و هماهنگ با استانداردهای جهانی باشند. این تطبیق، ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، زمینه‌ساز توسعه سیاست‌گذاری‌های کارآمد در مواجهه با چالش‌های رمزارزی خواهد بود.

۱-۳-۳- مطالعه تطبیقی قواعد فقهی در ایران و سایر کشورهای اسلامی

قواعد فقهی به‌عنوان شالوده نظری و عملی نظام‌های حقوقی اسلامی، نقشی بی‌بدیل در تدوین سیاست‌های جنایی ایفا می‌کنند. در مواجهه با چالش‌های نوظهور، نظیر رمزارزها و پیامدهای آن‌ها از جمله پول‌شویی، بررسی تطبیقی مبنای فقهی ایران با کشورهای اسلامی مانند مالزی، عربستان سعودی، اندونزی و حتی قطر، دیدگاهی جامع‌تر ارائه می‌دهد. این بررسی تطبیقی نه تنها تمایزهای فقهی و قانونی را آشکار می‌کند، بلکه نقاط اشتراک و قابلیت استفاده متقابل از تجربیات را نیز نشان می‌دهد.

۱-۳-۳-۱- ایران

فقه امامیه در ایران، مفاهیمی چون "قاعده لاضرر"، "قاعده سد ذرایع" و "قاعده حرمت اعانه برائتم" را به‌عنوان مبنای اصلی سیاست‌گذاری‌های جنایی به کار می‌گیرد. قاعده لاضرر در تقابل با رفتارهایی که به اقتصاد و جامعه آسیب می‌رسانند، چارچوب حقوقی قابل‌اعتمادی ارائه می‌دهد. در بحث مدیریت رمزارزها، این قاعده به‌عنوان مبنای مشروعیت‌زدایی از تراکنش‌های مالی مشکوک، نظیر پول‌شویی، قابل استفاده است. قاعده "سد ذرایع" به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در بستر رمزارزها مطرح می‌شود. این قاعده با مسدود کردن راه‌هایی که ممکن است به ارتکاب جرم منجر شوند، در پیشگیری از جرایم مرتبط با رمزارزها مؤثر است (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۴). باتوجه‌به این مبنای،

^۱ مقررات AMLD5 (پنجمین دستورالعمل مبارزه با پول‌شویی اتحادیه اروپا): که در سال ۲۰۱۸ تصویب شد، به تقویت اقدامات ضد پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم می‌پردازد. این مقررات شامل افزایش شفافیت از طریق ثبت‌نام عمومی برای شناسایی صاحبان واقعی شرکت‌ها، تقویت الزامات KYC برای شناسایی ریسک مشتریان، الزام نهادها به گزارش تراکنش‌های مشکوک و گسترش دامنه شمول به کسب‌وکارهای جدید مانند ارزهای دیجیتال است. هدف AMLD5 افزایش همکاری و تبادل اطلاعات بین نهادهای نظارتی است.

۳-۳-۱- عربستان سعودی

فقه حنبلی در عربستان سعودی رویکردی محتاطانه و محافظه‌کارانه در برابر فناوری‌های مالی جدید اتخاذ کرده است. قاعده حرمت اکل مال به باطل به‌عنوان قاعده‌ای کلیدی، تراکنش‌های مالی که منجر به تصرف غیرمشروع یا زیان به دیگران می‌شود را ممنوع می‌داند. در چارچوب رمزارزها، این قاعده به وضع محدودیت‌های قانونی جدی برای استفاده از رمزارزها منجر شده است (Al-Farouqi, ۲۰۲۴: ۳۵). علاوه بر این، نهادهای دولتی و مالی در عربستان سعودی در حال مطالعه و تحلیل روش‌های شرعی برای پذیرش رمزارزها هستند تا در صورت امکان، استفاده از آن‌ها را در قالب‌های قانونی و مطابق با فقه اسلامی تسهیل کنند. در این زمینه، مفاهیمی همچون قاعده وجوب دفع ضرر مُحتمَل و قاعده سد ذرایع نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. قاعده وجوب دفع ضرر مُحتمَل بر ضرورت پیشگیری از زیان‌های احتمالی و آسیب‌هایی که امکان وقوع آن‌ها وجود دارد، تأکید دارد و قاعده سد ذرایع هرگونه اقدامی که ممکن است به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به فساد یا وقوع جرم شود را منع می‌کند.

در نتیجه، عربستان سعودی با رویکردی محتاطانه و مبتنی بر مبانی فقه حنبلی به فناوری‌های نوین مالی می‌نگرد، اما در عین حال تلاش می‌کند تا از پتانسیل‌های این فناوری‌ها برای بهبود وضعیت اقتصادی و مالی کشور بهره‌برداری کند. این رویکرد که ترکیبی از احتیاط و انطباق با نوآوری‌های مالی است، می‌تواند به الگویی برای کشورهای دیگر تبدیل شود.

۳-۳-۲- اندونزی

اندونزی، با تأکید بر اصول فقه شافعی، از قاعده عدل و انصاف و قاعده استصلاح (مصلحت مرسله) برای تنظیم بازار رمزارزها استفاده می‌کند. قاعده عدل و انصاف در این کشور به‌عنوان مبنایی برای ایجاد تعادل میان آزادی‌های اقتصادی و امنیت اجتماعی مطرح است. اندونزی به دنبال یافتن راه‌حلی برای استفاده مشروع و قانونمند از رمزارزها بوده و با ایجاد بسترهای نظارتی و قانونی، به‌ویژه در راستای

سیاست‌گذاران در ایران می‌توانند چارچوب‌های قانونی مؤثری برای نظارت و کنترل فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها تدوین کنند که هم‌راستا با ارزش‌های اسلامی مبانی فقهی آن باشد و از بروز جرایمی نظیر پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم جلوگیری کند.

۳-۳-۲- مالزی

مالزی به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در حوزه مدیریت فناوری‌های مالی اسلامی، از مبانی فقه شافعی در تنظیم سیاست‌های خود بهره می‌برد. قاعده استصلاح (مصلح مرسله) و قاعده نفی غرر در سیاست‌های این کشور برای تنظیم بازار رمزارزها نقش اساسی دارند. قاعده استصلاح بر تأمین مصلحت عمومی و رفاه اقتصادی جامعه تأکید دارد و در چارچوب مدیریت رمزارزها به شفاف‌سازی تراکنش‌ها و جلوگیری از فعالیت‌های غیرقانونی منجر شده است. همچنین، قاعده نفی غرر بر منع معاملات مبتنی بر ابهام و مخاطره تأکید دارد و به جلوگیری از برخی مبادلات رمزارزی که فاقد شفافیت یا دارای ریسک‌های نامعقول هستند، کمک می‌کند.

علاوه بر این، مالزی با معرفی اولین ارز دیجیتال اسلامی به نام "گلد اکس"^۱ که پشتوانه آن طلاست، تلاش کرده است تا با ترکیب فناوری‌های نوین و اصول شریعت، به توسعه اقتصادی و مالی کشور کمک کند (Arief Jailani et al., 2023: 29). این رمزارز، با توجه به پشتوانه مشخص و انطباق با اصول شرعی، از دیدگاه فقهی به‌عنوان ابزاری مشروع در مبادلات مالی شناخته می‌شود. همچنین، مالزی با تصویب قوانین جدید برای استفاده از رمزارزها، به‌ویژه در زمینه مقابله با تأمین مالی تروریسم، نشان داده است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از اصول فقهی و تطبیق آن‌ها با نیازهای معاصر، به تنظیم‌گری مؤثر در حوزه فناوری‌های مالی پرداخت.

^۱ گلد اکس (Goldex): اولین ارز دیجیتال اسلامی مالزی است که بر پایه اصول شریعت طراحی شده و به‌طور کامل توسط طلا پشتیبانی می‌شود. این ارز به منظور تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری مطابق با قوانین اسلامی ایجاد شده و به کاربران این امکان را می‌دهد که تراکنش‌های خود را با امنیت و شفافیت بیشتری انجام دهند. گلد اکس به‌عنوان یک ابزار مالی جدید، هدفش جذب سرمایه‌گذاران در بازارهای اسلامی و جهانی است.

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که مبانی فقهی در کشورهای اسلامی، با وجود تفاوت‌های مکتبی، بر مبنای مفاهیم مشترکی چون مصالح مرسله، عدالت و دفع ضرر استوارند. ایران نیز می‌تواند با بهره‌گیری از تجربه کشورهای اسلامی مانند مالزی و اندونزی، رویکردهای مبتنی بر شفافیت، قانون‌مداری و پیشگیری را توسعه دهد. به‌ویژه استفاده از اصولی مانند تحقق مصلحت عمومی و برپایی عدالت در تنظیم سیاست‌های جنایی، به مدیریت بهتر رمزارزها و مقابله مؤثرتر با پول‌شویی کمک خواهد کرد.

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که فقه در کشورهای اسلامی با وجود تفاوت‌های مکتبی، بر مبنای مفاهیم مشترکی چون مصلحت، عدالت، و منع ضرر استوارند. ایران نیز می‌تواند با بهره‌گیری از تجربه کشورهای اسلامی مانند مالزی، اندونزی و... رویکردهای مبتنی بر شفافیت، قانون‌مداری و پیشگیری را توسعه دهد. به‌ویژه استفاده از اصولی مانند مصلحت و عدالت در تنظیم سیاست‌های جنایی، به مدیریت بهتر رمزارزها و مقابله مؤثرتر با پول‌شویی کمک خواهد کرد.

۲- رمزارزها و چالش‌های فقهی و جنایی

۲-۱- تعریف و ماهیت رمزارزها از منظر فقهی

رمزارزها به‌عنوان یکی از پدیده‌های نوظهور در نظام مالی جهانی، به دلیل ویژگی‌های غیرمتمرکز بودن، ناشناس‌سازی تراکنش‌ها و وابستگی به فناوری بلاک‌چین، چالش‌های متعددی را برای نظام‌های فقهی و حقوقی ایجاد کرده‌اند. تعریف فقهی رمزارزها مستلزم شناسایی ماهیت آن‌ها در چارچوب مفاهیم "مال"، "مالکیت" و "معامله مشروع" است.

۲-۱-۱- تحلیل مشروعیت یا عدم مشروعیت

رمزارزها

در نظام فقه امامیه، "مال" به چیزی اطلاق می‌شود که منفعت عقلایی داشته و نزد عقلاً مطلوب باشد. براین اساس، مشروعیت رمزارزها بستگی به این دارد که آیا این دارایی‌ها به‌عنوان مال محسوب می‌شوند یا خیر. برخی از فقها، رمزارزها را به دلیل نداشتن وجود فیزیکی و پشتوانه ملموس مالی، "مال غیرمعتبر" دانسته و آن را از حیثه معاملات

پیشگیری از پول‌شویی، گام‌های مثبتی برداشته است (Wiwoho, J et al, 2023:160). علاوه بر این، این کشور از توانمندی‌های فناوری بلاک‌چین برای ایجاد شفافیت در تراکنش‌های مالی و کاهش ریسک‌های احتمالی بهره می‌برد. قاعده استصلاح (مصلحت مرسله) به‌عنوان یکی از مبانی مهم، زمینه‌ساز پذیرش نوآوری‌های مالی با تأکید بر منافع عمومی و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی است. همچنین، اندونزی به دنبال جلب اعتماد عمومی نسبت به بازار رمزارزها از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی گسترده در این زمینه است. باتکیه بر مبانی فقهی اسلام و استفاده از ابزارهای قانونی و نظارتی، اندونزی رویکردی مبتنی بر عدل و انصاف و مصلحت در تنظیم بازار رمزارزها اتخاذ کرده است. این رویکرد می‌تواند به الگویی موفق برای سایر کشورهای مسلمان در برخورد با چالش‌های مالی نوین تبدیل شود.

۵-۳-۱- قطر

قطر با بهره‌گیری از تلفیق فقه مالکی و حنفی، اصولی مانند «قاعده سدّ ذریع» و «قاعده مقدم بودن دفع مفسده بر جلب منفعت» را در سیاست‌های مالی خود به کار می‌برد. این رویکرد، به‌ویژه در تنظیم بازار رمزارزها مؤثر است و با تدوین قوانین مشخص برای تراکنش‌های مالی و تقویت نظام‌های کنترلی، زمینه سوءاستفاده از رمزارزها را به حداقل رسانده است (Al-Farouqi, 2024: 39). علاوه بر این، قطر به‌طور فعال از فناوری بلاک‌چین برای نظارت دقیق بر تراکنش‌ها و افزایش شفافیت استفاده می‌کند. این کشور به دنبال ایجاد یک بازار مالی سالم است که همسو با فقه و اصول اسلامی عمل کند و از تبدیل رمزارزها به ابزارهای مضر در جامعه جلوگیری کند. در این راستا، قطر با همکاری با نهادهای بین‌المللی، سیاست‌های مبتنی بر اصل احتیاط و قاعده لاضرر را برای مقابله با جرایم مالی و جلوگیری از پول‌شویی در زمینه رمزارزها اتخاذ کرده است.

قطر با بهره‌گیری از فقه اسلامی خود، سیاست‌هایی مبتنی بر اصول اسلامی برای تنظیم بازار رمزارزها ایجاد کرده است به‌نحوی که این رویکرد موجب کاهش ریسک‌های اقتصادی و افزایش امنیت مالی در کشور می‌شود.

همکاران، ۱۴۰۲: ۳۵۸). ماهیت رمزارزها، باوجود پذیرش در میان عموم، از منظر فقهی به دلیل ویژگی‌هایی نظیر ابهام، نوسانات قیمتی و کاربردهای غیرمشروع، همچنان در هاله‌ای از تردید قرار دارد. بررسی مشروعیت رمزارزها نیازمند تحلیل عمیق در چارچوب قواعد فقهی نظیر "غرر"، "لاضرر" و "حرمت اکل مال به باطل" است. ایجاد چارچوب‌های شفاف فقهی و قانونی می‌تواند به کارگیری این ابزار نوین مالی را در راستای منافع مشروع تسهیل کند (رنجبر و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۴۷).

در نهایت، از دیدگاه فقهی، تبادل و مالکیت رمزارزها باید بر اساس اصول شریعت و قواعد فقهی نظیر "حرمت اکل مال به باطل" و "غرر" بررسی شود. در صورتی که این تراکنش‌ها مبتنی بر رضایت طرفین و در چارچوب فعالیت‌های مشروع انجام شوند، مشروعیت خواهند داشت؛ اما استفاده از رمزارزها در فعالیت‌های غیرقانونی و غیرمشروع، مالکیت آن‌ها را نامشروع می‌کند.

۲-۲- چالش‌های فقهی مرتبط با رمزارزها

رمزارزها، به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در حوزه مبادلات مالی، با چالش‌های متعددی از منظر فقهی مواجه هستند. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از ویژگی‌های ذاتی رمزارزها و عدم انطباق کامل آنها با قواعد معاملات اسلامی است. مهم‌ترین چالش‌های فقهی در این حوزه شامل "ربا"، "غرر"، و "اکل مال به باطل" هستند که در ادامه به تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲- ربا

در شریعت اسلامی، هرگونه سود تضمین شده یا بهره در مبادلات مالی، به‌ویژه در وام‌ها، ممنوع است. یکی از ابهامات اصلی در مورد رمزارزها، نحوه تعیین ارزش و سود آنها در معاملات است. اگرچه رمزارزها اغلب به‌عنوان ابزار مبادله و سرمایه‌گذاری استفاده می‌شوند، اما ماهیت نوسان‌پذیری شدید آنها و احتمال شکل‌گیری قراردادهایی با تضمین سود، نگرانی‌هایی را درباره وقوع ربا ایجاد کرده است (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۲). با توجه به ویژگی‌های نوسانی و پیچیدگی‌های قراردادهای رمزارزی، ضروری است که فقه

مشروع خارج می‌کنند (وثوقی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۵۸). از سوی دیگر، گروهی دیگر با تأکید بر مقبولیت عمومی و منفعت عقلایی رمزارزها، آن‌ها را نوعی "مال اعتباری" می‌دانند که از منظر فقهی قابلیت معامله را دارد.

همچنین "غرر" و "ابهام" در تراکنش‌های رمزارزی، یکی از موانع اصلی مشروعیت این ابزار مالی محسوب می‌شود. برخی از معاملات رمزارزی، به دلیل عدم شفافیت در ماهیت و ارزش دارایی‌ها یا احتمال نوسانات شدید قیمت، از نظر فقهی دچار شبهه "غرر" بوده و بر اساس قاعده "نهی از غرر" غیرمشروع تلقی می‌شوند (سلطانی فرد و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۴۱). در نهایت، مشروعیت رمزارزها در فقه امامیه بستگی به نگرش به آن‌ها به‌عنوان "مال" و نیز شرایط معاملات آن‌ها دارد. درحالی که برخی فقها به دلیل ویژگی‌های غیرملموس و نوسانات شدید قیمت، این دارایی‌ها را غیرمشروع می‌دانند، گروهی دیگر با تأکید بر مقبولیت عمومی و منفعت عقلایی رمزارزها، آن‌ها را قابل معامله و مشروع در نظر می‌گیرند.

۲-۱-۲- دیدگاه فقهی درباره تبادل و مالکیت رمزارزها

از منظر فقهی، تبادل رمزارزها به‌عنوان مصداقی از معاملات جدید، باید با اصول کلی شریعت هماهنگ باشد. "قاعده حرمت اکل مال به باطل" در اینجا نقش مهمی ایفا می‌کند؛ به این معنا که هرگونه معامله‌ای که به ضرر یکی از طرفین و بدون دلیل شرعی انجام شود، فاقد مشروعیت است. براین اساس، استفاده از رمزارزها در تراکنش‌های اقتصادی، مادامی که مبتنی بر رضایت طرفین و بدون ضرررسانی به دیگری باشد، می‌تواند از مشروعیت برخوردار باشد (عیوضلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۷). در خصوص مالکیت رمزارزها، فقه امامیه به تمایز میان "مالکیت مشروع" و "مالکیت غیرمشروع" تأکید دارد. اگر رمزارزها از طریق فعالیت‌های غیرقانونی یا آسیب‌زننده به منافع عمومی به دست آیند (مانند پول شویی یا قمار)، مالکیت آن‌ها نامشروع بوده و بازگرداندن آن‌ها به صاحب حق لازم است. از سوی دیگر، رمزارزهایی که در چارچوب فعالیت‌های اقتصادی مشروع کسب شده باشند، می‌توانند مصداق مالکیت مشروع تلقی شوند (وثوقی و

محسوب شود (انصاریان، ۱۴۰۲: ۹۰). در چنین شرایطی، استفاده از رمزارزها نه تنها به عنوان یک ابزار مالی مشروع در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه می‌تواند موجب نقض اصول اخلاقی و شرعی شود. استفاده از رمزارزها باید تحت نظارت دقیق و در چارچوب قوانین شرعی باشد تا از وقوع اکل مال به باطل جلوگیری شود. ایجاد مقررات و چارچوب‌های شفاف برای استفاده مشروع از رمزارزها می‌تواند به جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و حفظ اصول فقهی کمک کند.

۴-۲-۲- تطابق با قواعد معاملات اسلامی

از منظر قواعد معاملات اسلامی، رمزارزها باید به گونه‌ای تنظیم شوند که شفافیت، مشروعیت، و عدالت اقتصادی را تضمین کنند. برای این منظور، تطبیق ویژگی‌های رمزارزها با قواعدی نظیر «قاعده لزوم تسلیم و تسلّم در معاملات»، «قاعده نفی غرر»، و «قاعده لاضرر و لاضرار» ضروری است. در این راستا، به ویژه باید اطمینان حاصل شود که رمزارزها در شرایطی به کار گرفته شوند که از سوءاستفاده و ضررهای احتمالی برای یکی از طرفین جلوگیری شود.

از آنجاکه نوسانات قیمت و ویژگی‌های پیچیده فناوری بلاک‌چین ممکن است موجب چالش‌هایی در تطبیق با مفاهیم فقهی شوند، ایجاد چارچوب‌های نظارتی فقهی و حقوقی مناسب برای تنظیم این ابزار مالی ضروری است. این چارچوب‌ها نه تنها باید به حفظ شفافیت و امنیت در معاملات رمزارزی کمک کنند، بلکه باید از ایجاد نابرابری‌ها و تضییع حقوق طرفین نیز جلوگیری نمایند.

۳-۲-۳ چالش‌های سیاست جنایی در مدیریت

رمزارزها

مدیریت رمزارزها به عنوان یک فناوری نوظهور و پیچیده، سیاست جنایی ایران را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از ضعف قوانین موجود و ناکارآمدی نظارت بر فرایندهای مرتبط با این حوزه هستند. در این بخش، به تحلیل این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۳-۲- ضعف قوانین موجود

یکی از چالش‌های اساسی در مدیریت رمزارزها، نبود قوانین

اسلامی روش‌های دقیقی برای ارزیابی و جلوگیری از وقوع ربا در این معاملات ارائه دهد. تأکید بر شفافیت، پرهیز از تضمین سود ثابت و ایجاد چارچوب‌های قانونی مشخص می‌تواند راه‌حلی برای رعایت اصول شرعی در این حوزه باشد.

۲-۲-۲- غرر

غرر به معنای ابهام یا خطرپذیری در معاملات است. یکی از ویژگی‌های بارز رمزارزها، عدم شفافیت کامل در مالکیت، ارزش‌گذاری، و فرایندهای مبادله‌ای است. این عدم شفافیت که ناشی از پیچیدگی‌های فناوری بلاک‌چین و نوسانات بازار است، می‌تواند منجر به تحقق غرر شود. از این رو، استفاده از رمزارزها در معاملاتی که فاقد شفافیت لازم باشند، ممکن است از منظر فقهی محل اشکال باشد. به ویژه در شرایطی که طرفین معامله از وضعیت دقیق دارایی‌ها یا قیمت واقعی آنها مطمئن نباشند، احتمال وقوع معاملات مشمول غرر افزایش می‌یابد (علوی وثوقی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۴۲). علاوه بر این، نوسانات شدید قیمت و عدم پیش‌بینی‌پذیری بازار رمزارزها باعث می‌شود که ارزش این دارایی‌ها به طور مستمر در معرض تغییرات عمده قرار گیرد که این خود عامل دیگری برای ایجاد غرر به شمار می‌رود. استفاده از رمزارزها در معاملات باید با دقت بیشتری مورد ارزیابی قرار گیرد تا از وقوع غرر جلوگیری شود. ایجاد شفافیت در فرایندهای رمزارزی و تطبیق آنها با اصول فقهی می‌تواند به کاهش خطرات مربوط به ابهام و عدم قطعیت کمک کند.

۳-۲-۳- اکل مال به باطل

اکل مال به باطل به معنای تصاحب ناحق اموال دیگران است. در زمینه رمزارزها، امکان استفاده از این ابزار برای فعالیت‌های غیرمشروع نظیر پول‌شویی، قمار، و سایر جرایم مالی، این نگرانی را تشدید کرده است. اگر رمزارزها به گونه‌ای استفاده شوند که منجر به کسب مال از راه غیرمشروع شوند، این امر از منظر فقهی مردود است. به ویژه هنگامی که تراکنش‌های رمزارزی در راستای پنهان‌سازی منابع مالی غیرقانونی یا انتقال پول از طریق شبکه‌های غیرقانونی صورت گیرد، ممکن است به عنوان اکل مال به باطل

شفاف و جامع برای تنظیم‌گری این حوزه است. باتوجه‌به ماهیت بین‌المللی رمزارزها و سرعت تحولات فناورانه، قوانین کیفری فعلی ایران توانایی پوشش‌دهی کامل به ابعاد پیچیده این پدیده را ندارند (گیلک و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۸۱). به‌عنوان مثال، در حال حاضر هیچ‌گونه قانون مصوبی وجود ندارد که به طور مشخص نحوه برخورد با جرایمی نظیر پول‌شویی یا تأمین مالی تروریسم از طریق رمزارزها را تعیین کند. این خلأ قانونی نه‌تنها موجب سردرگمی مراجع قضایی و اجرایی در مواجهه با پرونده‌های مرتبط می‌شود، بلکه به مجرمان اجازه می‌دهد از این بستر برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی بهره ببرند. برای مقابله با چالش‌های ناشی از استفاده غیرقانونی از رمزارزها، ایجاد قوانین جامع و شفاف در سطح ملی و بین‌المللی ضروری است. این قوانین باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که ضمن حمایت از امنیت اقتصادی کشور، از سوءاستفاده‌های مالی و تهدیدات امنیتی جلوگیری کنند.

۲-۳-۲- فقدان نظارت کارآمد

نظارت مؤثر بر تراکنش‌های رمزارزی نیازمند ابزارها و فناوری‌های پیشرفته‌ای است که بتواند جریان اطلاعات را در شبکه‌های بلاک‌چین تحلیل و رصد کند. بااین‌حال، در ایران، به دلیل محدودیت‌های فناوری و کمبود منابع انسانی متخصص، این نظارت بسیار محدود است و زمینه ارتکاب جرایمی همچون پول‌شویی، فرار مالیاتی، و تجارت غیرقانونی را فراهم می‌کند (صفاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۶). افزون بر این، پیچیدگی ذاتی تراکنش‌های رمزارزی و استفاده از ابزارهایی مانند میکسرها و کیف پول‌های ناشناس، شفافیت را کاهش داده و نظارت را دشوارتر کرده است. همچنین، نبود همکاری بین‌المللی در اشتراک‌گذاری داده‌ها و ضعف قوانین منسجم داخلی، کارایی سازوکارهای نظارتی را محدود می‌سازد. برای پیشگیری از جرایم مرتبط با رمزارزها، تقویت زیرساخت‌های فناوری، تربیت نیروی انسانی متخصص، و توسعه قوانین به‌روز و تعاملات بین‌المللی ضروری است. این اقدامات می‌توانند زمینه نظارت کارآمد و کاهش جرایم را فراهم کنند.

۳-۳-۲- پیامدها و الزامات اصلاحی

ضعف قوانین و نظارت ناکارآمد نه‌تنها باعث افزایش آسیب‌پذیری نظام اقتصادی در برابر تهدیدهای مرتبط با رمزارزها می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به نظام حقوقی و قضایی را نیز تضعیف می‌کند. این مسئله، زمینه گسترش جرایمی نظیر پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را فراهم می‌آورد که تهدیدی جدی برای امنیت اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود (گیلک و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۸۱)؛ بنابراین، ضروری است سیاست جنایی ایران، از طریق اصلاح و به‌روزرسانی قوانین کیفری، تدوین مقررات ویژه برای رمزارزها، و تقویت زیرساخت‌های فناورانه و نظارتی، پاسخ‌گوی این چالش‌ها باشد. همچنین، بهره‌گیری از مفاهیمی نظیر "قاعده سد ذرایع" و "قاعده لاضرر"، می‌تواند در جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از رمزارزها نقشی کلیدی ایفا کند و نظام حقوقی را به‌سوی رویکردی پیشگیرانه‌تر هدایت کند. اتخاذ رویکردی جامع شامل اصلاح قوانین، تقویت نظارت، و بهره‌گیری از مبانی فقهی، می‌تواند نه‌تنها آسیب‌پذیری‌های موجود را کاهش دهد، بلکه به اعتمادسازی عمومی و بهبود نظام حقوقی در مدیریت رمزارزها کمک کند.

۳- پول‌شویی و ارتباط آن با رمزارزها

۱-۳-۳- مفهوم و ابعاد پول‌شویی در فقه و قانون

پول‌شویی به‌عنوان یک پدیده اقتصادی و حقوقی، شامل فرایندی است که طی آن درآمدهای حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی به دارایی‌های مشروع تبدیل می‌شوند. این پدیده، علاوه بر تهدید جدی برای نظام‌های مالی و اقتصادی، از منظر فقهی و قانونی نیز موردتوجه قرار گرفته است. در این بخش، به تعریف پول‌شویی در متون فقهی و قوانین موضوعه پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱- تعریف پول‌شویی در متون فقهی

در فقه اسلامی، پول‌شویی به‌صورت مستقیم به‌عنوان یک اصطلاح مستقل مطرح نشده است؛ اما مفهوم آن را می‌توان از قواعد کلی فقهی نظیر «قاعده حرمت اکل مال به باطل» و «قاعده تحریم مکاسب محرمه» استنباط کرد. بر اساس این

و پیشگیری از این جرم برجسته می‌سازد. به‌عنوان نمونه، تطبیق اصول فقهی نظیر "قاعده لاضرر" و "قاعده حرمت اعانه برائتم" می‌تواند راهکارهایی برای تنظیم‌گری مناسب و پیشگیری از سوءاستفاده از رمزارزها ارائه دهد. ا توجه به چالش‌های نظارتی مرتبط با رمزارزها، بهره‌گیری از اصول فقهی مانند "قاعده لاضرر" و "قاعده حرمت اعانه برائتم" می‌تواند به تدوین راهکارهای مؤثر در پیشگیری از سوءاستفاده‌های مالی کمک کند. این رویکرد، زمینه‌ساز تقویت نظام حقوقی در مواجهه با فناوری‌های نوین مالی خواهد بود.

۲-۳- معیارهای شناسایی جرائم پول‌شویی در نظام اسلامی

پول‌شویی به‌عنوان فرایندی برای مشروعیت‌بخشی به اموال نامشروع، در فقه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد و معیارهای شناسایی آن بر اساس اصول و قواعد کلی شرعی قابل تبیین است. در این راستا، معیارهایی همچون "حرمت اکل مال به باطل"، "ضرورت جلوگیری از فساد اقتصادی"، و "لزوم حفظ نظم عمومی" مورد توجه قرار می‌گیرند.

۲-۳-۱- حرمت اکل مال به باطل

بر اساس این قاعده، هرگونه تحصیل مال از طریق غیرمشروع، مانند سرقت، قمار، یا معاملات ربوی، ممنوع است. این قاعده نه تنها کسب مال غیرمشروع، بلکه هرگونه تلاش برای پنهان‌سازی منشأ غیرقانونی آن را نیز شامل می‌شود. در نتیجه، تطهیر اموال نامشروع از طریق پول‌شویی، از دیدگاه فقهی کاملاً مردود است و به‌عنوان جرمی مستقل قابل شناسایی است.

۲-۳-۲- قاعده حرمت اعانه برائتم

فقه اسلامی بر ممنوعیت هرگونه همکاری و مشارکت در اعمال غیرمشروع تأکید دارد؛ بنابراین، هرگونه اقدام که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به تطهیر اموال نامشروع کمک کند، از منظر این قاعده حرام است. در زمینه پول‌شویی، این قاعده نه تنها مرتکبان اصلی، بلکه واسطه‌ها و تسهیل‌گران این فرایند را نیز در بر می‌گیرد.

قواعد، هرگونه تصرف در اموال حاصل از معاملات نامشروع، مانند سرقت، قمار، یا رشوه، حرام بوده و فاقد مشروعیت است. افزون بر این، فقه اسلامی تأکید ویژه‌ای بر «قاعده حفظ نظام» به‌عنوان یکی از اهداف کلان خود دارد و هر فعالیت اقتصادی که نظم اقتصادی جامعه را مختل کند یا موجب بی‌اعتمادی به نظام مالی شود، مردود شناخته می‌شود (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۵). این اصول، بسترهای لازم برای محکومیت پول‌شویی در فقه اسلامی را فراهم می‌کنند. پول‌شویی، به‌عنوان فعالیتی که جریان مالی مشروع و نامشروع را به هم آمیخته و تشخیص را دشوار می‌سازد، مستقیماً با اهداف شفافیت مالی و عدالت اقتصادی در اسلام در تضاد است. هرچند پول‌شویی به‌صورت اصطلاح مستقل در فقه نیامده است، اما باتکیه بر قواعدی نظیر تحریم مکاسب محرمة، قاعده لاضرر و حفظ نظام اقتصادی جامعه، رفتاری غیرشرعی و ناپسند تلقی می‌شود. این رویکرد فقهی می‌تواند مبنایی محکم برای سیاست‌گذاری و مقابله با این پدیده در نظام حقوقی باشد.

۲-۳-۱- تعریف پول‌شویی در قوانین موضوعه

در قوانین کیفری ایران، پول‌شویی به‌عنوان یک جرم مستقل تعریف شده است. طبق ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی، این جرم شامل تبدیل یا انتقال مال، مخفی کردن منشأ غیرقانونی آن، یا کسب مال با آگاهی از منشأ مجرمانه است. این تعریف، فرایند سه‌گانه تطهیر اموال (جای‌گذاری، لایه‌سازی و یکپارچه‌سازی) را پوشش می‌دهد. قانون‌گذار باهدف مقابله با آثار زیان‌بار اقتصادی و اجتماعی پول‌شویی، این رفتار را جرم‌انگاری کرده و مجازات‌های متناسبی برای آن در نظر گرفته است.

۳-۳-۱- ارتباط با رمزارزها

ماهیت غیرمتمرکز و ناشناس رمزارزها، فرصت‌هایی را برای سوءاستفاده در فرایندهای پول‌شویی فراهم می‌کند. به‌ویژه، امکان انتقال سریع و مخفیانه دارایی‌ها در شبکه‌های بلاک‌چین، چالش‌های نظارتی و اجرایی را افزایش داده است (گیلک و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۸۲). این موضوع، ضرورت استفاده از رویکردهای فقهی و حقوقی نوین را برای مدیریت

۲-۳-۳- حفظ نظم و امنیت اقتصادی

از منظر فقه اسلامی، حفظ نظم و امنیت اقتصادی جامعه یکی از اهداف اصلی شریعت است. هرگونه فعالیت اقتصادی که باعث اختلال در این نظم شود، غیرمشروع تلقی می‌شود. پول شویی به‌عنوان فرایندی که منابع مالی غیرقانونی را وارد چرخه رسمی اقتصاد می‌کند، تهدیدی جدی برای امنیت اقتصادی و اجتماعی جامعه به شمار می‌رود و از این رو، ممنوعیت آن در نظام اسلامی ضروری است.

۲-۳-۴- لزوم شفافیت در معاملات مالی

فقه اسلامی بر شفافیت در معاملات مالی تأکید دارد و هرگونه ابهام یا تلاش برای مخفی‌سازی منشأ دارایی‌ها را رد می‌کند. بر این اساس، معاملات مرتبط با پول شویی که عمدتاً در بسترهای غیرشفاف و باهدف پنهان‌سازی منشأ اموال انجام می‌شوند، از دیدگاه شرع مردود هستند.

این معیارها، چارچوبی فقهی برای شناسایی و مقابله با جرائم پول شویی ارائه می‌دهند. در عین حال، این معیارها می‌توانند مبنای طراحی سیاست‌های جنایی و نظارتی در مقابله با پول شویی در بستر رمزارزها باشند که به دلیل ویژگی‌های ناشناس بودن و غیرمتمرکز بودن، مستعد استفاده برای تطهیر اموال نامشروع هستند.

۳-۳- استفاده از رمزارزها در فرایند پول شویی

رمزارزها به دلیل ویژگی‌هایی نظیر ناشناس بودن، غیرمتمرکز بودن و قابلیت انتقال سریع و فرامرزی، به ابزاری مؤثر برای پول شویی تبدیل شده‌اند. این خصوصیات امکان پنهان‌سازی منشأ غیرقانونی دارایی‌ها و ادغام آن‌ها در اقتصاد رسمی را تسهیل می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های اصلی رمزارزها، استفاده از فناوری بلاک‌چین است که به کاربران امکان انجام تراکنش‌هایی با ناشناس بودن نسبی می‌دهد. این خاصیت، فرصت مناسبی برای مجرمان فراهم می‌کند تا بدون شناسایی، مبالغ غیرقانونی را جابه‌جا کنند. به‌خصوص رمزارزهایی مانند مونرو یا زی‌کش که تمرکز ویژه‌ای بر حفظ حریم خصوصی دارند، در این زمینه بیشترین استفاده را دارند.

ماهیت غیرمتمرکز رمزارزها، به‌ویژه بیت‌کوین، امکان فعالیت خارج از کنترل نهادهای مالی و نظارتی را ایجاد می‌کند. این امر موجب می‌شود تا معاملات انجام‌شده در این بسترها به‌سختی توسط سیستم‌های نظارتی سنتی قابل‌ردیابی باشند (محمودی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۲). «صرافی‌های غیرمتمرکز»^۱ که نیازی به شناسایی کاربران و رعایت قوانین احراز هویت ندارند، به بستر مناسبی برای پول شویی تبدیل شده‌اند. مجرمان از این صرافی‌ها برای تبدیل ارزهای دیجیتال به ارزهای دیگر یا حتی ارزهای فیات استفاده می‌کنند.

یکی از مراحل پول شویی، لایه‌گذاری است که در آن پول‌های غیرقانونی با استفاده از تراکنش‌های متعدد و پیچیده مخفی می‌شود. رمزارزها به دلیل سهولت در تقسیم تراکنش‌ها به واحدهای کوچک‌تر و انتقال آن به کیف پول‌های متعدد، ابزاری کارآمد برای این تکنیک محسوب می‌شوند. میکسرها و ابزارهایی مانند تورنادوکش امکان ادغام تراکنش‌های مختلف و پنهان‌سازی منشأ و مقصد آن‌ها را فراهم می‌کنند. این ابزارها به مجرمان اجازه می‌دهند تا ردپای دیجیتالی خود را پاک کنند و دارایی‌های غیرقانونی را تطهیر کنند.

جدیدترین روش‌های پول شویی شامل استفاده از «توکن‌های غیرقابل تعویض»^۲ است. مجرمان می‌توانند با خرید و فروش NFTهای ارزشمند به قیمتی اغراق‌شده، درآمدهای

^۱ صرافی‌های غیرمتمرکز (DEX - Decentralized Exchange): به پلتفرم‌های معاملاتی اطلاق می‌شود که امکان خرید و فروش ارزهای دیجیتال را بدون نیاز به یک نهاد مرکزی فراهم می‌کنند. در این نوع صرافی‌ها، کاربران مستقیماً با یکدیگر معامله می‌کنند و دارایی‌ها به‌طور مستقیم در کیف پول‌های شخصی آنها نگهداری می‌شود. این سیستم به افزایش حریم خصوصی، کاهش هزینه‌های معاملاتی و کاهش خطر هک‌های متداول در صرافی‌های متمرکز کمک می‌کند.

^۲ توکن‌های غیرقابل تعویض (NFT - Non-Fungible Tokens): نوعی دارایی دیجیتال هستند که نشان‌دهنده مالکیت انحصاری یک آیتم یا اثر هنری، مانند تصاویر و ویدیوها، هستند. برخلاف ارزهای دیجیتال قابل تعویض، هر NFT ویژگی‌های خاص خود را دارد و نمی‌توان آن را به‌طور مستقیم با توکن دیگری تعویض کرد. این ویژگی باعث ایجاد بازارهای جدید برای هنرمندان و جمع‌آوری‌کنندگان می‌شود و از فناوری بلاکچین برای تأیید مالکیت استفاده می‌کند.

در نهایت، نبود شفافیت در تراکنش‌ها و عدم الزام کاربران به «احراز هویت»^۱ یکی از جدی‌ترین ضعف‌های این سیستم‌هاست. این مسئله باعث می‌شود که کاربران به راحتی هویت خود را پنهان کرده و از رمزارزها برای انتقال وجوه غیرقانونی استفاده کنند.

بر اساس اصول فقهی نظیر "قاعده لاضرر" و "قاعده سد ذرایع"، می‌توان بر ضرورت تدوین و تقویت سازوکارهای نظارتی تأکید کرد. این اصول راهکاری اخلاقی و شرعی برای جلوگیری از سوءاستفاده و حفظ عدالت اجتماعی در بهره‌برداری از فناوری‌های نوین مالی فراهم می‌آورند.

۳-۵- رویکرد فقهی در پیشگیری از پول‌شویی رمزارزی

رمزارزها با ویژگی‌هایی مانند سرعت تراکنش، گستره جهانی و ناشناس‌سازی، فرصت‌هایی برای سوءاستفاده مالی ایجاد کرده‌اند. این موضوع اهمیت استفاده از مفاهیم فقهی در پیشگیری از پول‌شویی رمزارزی را برجسته می‌کند. قواعدی مانند قاعده «منع فساد» و «دفع ضرر» به‌عنوان راهکارهای پیشگیرانه معرفی می‌شوند. قاعده منع فساد هر عملی که منجر به اختلال در نظام اجتماعی و اقتصادی شود را محدود می‌کند و قاعده دفع ضرر بر مسئولیت حاکمیت در پیشگیری از ضررها تأکید دارد. این بخش به کاربرد عملی این اصول در سیاست‌های نظارتی و جنایی و ابزارهای حقوقی و شرعی برای کاهش خطرات پول‌شویی پرداخته است. به‌طور کلی، تلاش می‌شود تا نشان داده شود که اصول فقهی چگونه می‌توانند باتکیه بر مبانی اسلامی، راه‌حلی اخلاقی و کاربردی برای چالش‌های ناشی از نوآوری‌های فناورانه و اقتصادی ارائه دهند.

غیرقانونی را به دارایی‌های قانونی تبدیل کنند (گیلک و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۸۴).

باتوجه به این مسائل، مقابله با استفاده از رمزارزها در پول‌شویی نیازمند وضع قوانین دقیق‌تر، توسعه فناوری‌های ردیابی بلاک‌چین و همکاری‌های بین‌المللی است. از منظر فقهی نیز، تلاش برای پنهان‌سازی اموال نامشروع در تضاد مستقیم با قواعد اسلامی نظیر "حرمت اکل مال به باطل" و "ضرورت جلوگیری از فساد اقتصادی" قرار دارد که می‌تواند مبنای سیاست‌های جنایی قرار گیرد.

۴-۳- تحلیل نقاط ضعف سیستم‌های نظارتی

سیستم‌های نظارتی در برابر پول‌شویی از طریق رمزارزها با نقاط ضعف قابل‌توجهی روبرو هستند که نتیجه ماهیت غیرمتمرکز و ناشناس این فناوری است. اولین ضعف، نبود چارچوب‌های قانونی و نظارتی جامع در بسیاری از کشورها، از جمله ایران است. اگرچه رمزارزها به سرعت به یکی از ابزارهای اصلی برای نقل‌وانتقال‌های مالی بدل شده‌اند، اما بسیاری از نظام‌های حقوقی هنوز نتوانسته‌اند قوانین کارآمد و روزآمدی برای مدیریت این فناوری تدوین کنند. این خلأ قانونی موجب تسهیل سوءاستفاده از رمزارزها در فعالیت‌های غیرقانونی از جمله پول‌شویی شده است.

دومین ضعف، نبود زیرساخت‌های فنی و انسانی کافی برای شناسایی و تحلیل تراکنش‌های مشکوک است. فناوری بلاک‌چین با قابلیت رمزنگاری پیشرفته و نبود واسطه‌های مالی سنتی، امکان پیگیری منشأ دارایی‌ها را محدود می‌کند. حتی ابزارهای تحلیلی موجود نیز در مواجهه با تکنیک‌هایی مانند میکسرها و خدمات حریم خصوصی، نظیر شبکه‌های تاریک، کارایی محدودی دارند.

سومین ضعف، عدم همکاری مؤثر بین‌المللی است. باتوجه به ماهیت فراملی رمزارزها، نظارت بر این تراکنش‌ها نیازمند همکاری گسترده میان دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی است. اما اختلافات قانونی و رویکردهای متفاوت کشورها به رمزارزها، مانع از ایجاد یک سیستم نظارتی منسجم و هماهنگ شده است (محمودی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۴).

^۱ احراز هویت (KYC - Know Your Customer): فرآیندی است که در آن مؤسسات مالی و پلتفرم‌های معاملاتی اطلاعات شناسایی مشتریان خود را جمع‌آوری و تأیید می‌کنند. هدف از KYC جلوگیری از کلاهبرداری، پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است. در این فرآیند، مشتریان معمولاً باید مدارکی مانند شناسنامه، پاسپورت یا قبض‌های خدمات عمومی را ارائه دهند تا هویت آنها تأیید شود.

۱-۵-۳- کاربرد قواعد فقهی مانند قاعده منع فساد و قاعده لا ضرر

قاعده منع فساد و قاعده دفع ضرر، دو مفهوم بنیادین در فقه اسلامی هستند که قابلیت ارائه راهکارهای مؤثر برای پیشگیری از پدیده‌هایی نظیر پول‌شویی در بستر رمزارزها را دارند. این قواعد به‌عنوان مبانی نظری و اخلاقی در تدوین سیاست‌های جنایی، امکان کنترل سوءاستفاده‌های مالی و تضمین نظم اجتماعی را فراهم می‌کنند.

قاعده منع فساد تأکید می‌کند که هرگونه فعالیت یا سازوکاری که منجر به اختلال در نظم اقتصادی، بی‌ثباتی مالی، و گسترش انحرافات اجتماعی شود، باید محدود یا حذف گردد. در حوزه رمزارزها، این قاعده می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای ایجاد قوانین و مقررات کنترلی عمل کند. برای نمونه، شفافیت در تراکنش‌های رمزارزی از طریق الزام به ثبت هویت کاربران و تراکنش‌ها، مصداق عملی این قاعده است. علاوه بر این، منع فعالیت پلتفرم‌هایی که استانداردهای ضد پول‌شویی را رعایت نمی‌کنند نیز می‌تواند تحت این قاعده توجیه شود.

قاعده لا ضرر نیز بر پیشگیری از ضررهای محتمل به افراد یا جامعه تأکید دارد. در بستر رمزارزها، این اصل می‌تواند مبنای تدوین سیاست‌هایی برای مقابله با استفاده‌های غیرقانونی نظیر پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم، یا فرار مالیاتی باشد. برای مثال، الزام به ایجاد سامانه‌های نظارتی پیشرفته مبتنی بر هوش مصنوعی برای شناسایی الگوهای مشکوک در تراکنش‌ها و توسعه همکاری‌های بین‌المللی جهت مقابله با تراکنش‌های فرامرزی غیرقانونی، نمونه‌هایی از کاربرد عملی این قاعده هستند (دیدار و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۶).

این دو قاعده همچنین به رویکردی تطبیقی کمک می‌کنند که در آن قوانین داخلی با اصول جهانی در حوزه مبارزه با پول‌شویی هماهنگ شوند، در عین حفظ مبانی اسلامی و ملی. استفاده از این اصول نه تنها موجب افزایش مشروعیت قوانین می‌شود، بلکه از منظر سیاست جنایی، ابزارهای

مؤثرتری برای مدیریت رمزارزها و پیشگیری از سوءاستفاده‌های مرتبط فراهم می‌آورد.

۲-۵-۳- تحلیل راهکارهای پیشگیرانه مبتنی بر قواعد فقهی

پیشگیری از پول‌شویی رمزارزی نیازمند اتخاذ رویکردهای ترکیبی است که اصول فقهی را با ابزارهای سیاست جنایی تلفیق کند. در این راستا، قواعد فقهی مانند "قاعده حفظ نظام" و "قاعده لا ضرر" به‌عنوان مبانی نظری، می‌توانند ابزارهای پیشگیرانه‌ای را ارائه دهند که هم کارآمدی عملی داشته باشند و هم با مبانی شرعی سازگار باشند.

یکی از راهکارهای پیشگیرانه کلیدی، ایجاد و تقویت مقررات شفاف برای مبادلات رمزارزی است. از منظر فقهی، شفافیت به‌عنوان مؤلفه‌ای از "قاعده حفظ نظام" می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی ایفا کند. الزام پلتفرم‌های رمزارزی به "احراز هویت کاربران" و ثبت تراکنش‌ها مطابق با استانداردهای بین‌المللی، نمونه‌ای از کاربرد این اصل است. این شفافیت نه تنها از گسترش فعالیت‌های غیرقانونی جلوگیری می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به بازارهای رمزارزی را نیز افزایش می‌دهد (آسیان لالیمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۹۲). راهکار دیگر، استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی برای تحلیل الگوهای تراکنش و شناسایی فعالیت‌های مشکوک است. قاعده دفع مفسده "در این زمینه ایجاب می‌کند که حکومت اسلامی برای جلوگیری از زیان‌های ناشی از پول‌شویی، از ابزارهای نظارتی پیشرفته استفاده کند. این ابزارها می‌توانند رفتارهای پرریسک را شناسایی کرده و از ورود ضررهای اقتصادی و اجتماعی به جامعه جلوگیری کنند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۴).

همچنین، توسعه همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با پول‌شویی رمزارزی ضرورت دارد. این امر می‌تواند مبنای حمایت از همکاری‌های فرامرزی برای تبادل اطلاعات و همسوسازی قوانین باشد. این همکاری‌ها به شناسایی و مسدودسازی تراکنش‌های بین‌المللی غیرقانونی کمک می‌کند. در نهایت، آموزش عمومی و ارتقای سواد رمزارزی

باید از اصول و قواعد فقهی نیز بهره گیرد تا هم مشروعیت و هم کارایی لازم را تضمین کند. قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر، قاعده سد ذرایع و قاعده دفع افسد به فاسد به عنوان زیربناهای نظری و عملی، نقشی محوری در تنظیم‌گری این حوزه ایفا می‌کنند.

قاعده لاضرر، مبنایی است برای وضع مقرراتی که از ورود خسارات به افراد و جامعه جلوگیری کند. براین اساس، قانون‌گذار موظف است چارچوب‌هایی شفاف برای فعالیت‌های رمزارزی تدوین کند که از سوءاستفاده‌های مالی، از جمله پول‌شویی، جلوگیری کند. مثال عملی این قاعده، وضع الزاماتی برای پلتفرم‌های مبادله رمزارزی در زمینه احراز هویت کاربران و ثبت تراکنش‌ها است که مانع از ورود افراد سودجو به این بازار می‌شود (جلیلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۹).

قاعده سد ذرایع نیز ایجاب می‌کند که فعالیت‌های رمزارزی از منظر اخلاقی، شرعی و اقتصادی تحت نظارت قرار گیرند. از منظر فقهی، رمزارزها نباید به ابزاری برای انجام معاملات غیرقانونی یا پول‌شویی تبدیل شوند. از این رو، استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند بلاک‌چین برای نظارت بر تراکنش‌ها و شناسایی رفتارهای مشکوک می‌تواند در راستای این قاعده عملیاتی شود.

قاعده دفع افسد به فاسد بر مسئولیت حکومت اسلامی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد. در این راستا، تنظیم‌گری رمزارزها باید با ایجاد سازوکارهای پیشگیری از جرایم اقتصادی، مانند الزام به گزارش‌دهی تراکنش‌های بزرگ و غیرعادی، همراه باشد. این اقدامات نه تنها از وقوع جرایم پیشگیری می‌کنند، بلکه بستر امنی برای فعالیت اقتصادی مشروع فراهم می‌سازند.

همچنین، قاعده حرمت (اعانه علی الإثم و العدوان) نیز می‌تواند نقش مؤثری در تنظیم‌گری داشته باشد. براین اساس، هرگونه همکاری مستقیم یا غیرمستقیم با مجرمان رمزارزی باید ممنوع شود. ایجاد سازوکارهایی برای شناسایی و برخورد با نهادهایی که به طور ناخواسته یا عمدانه به پول‌شویی

برای آگاهی‌بخشی به کاربران درباره ریسک‌های پول‌شویی و ابزارهای پیشگیری از آن، به عنوان بخشی از "قاعده لاضرر" قابل توجیه است. این اقدامات می‌توانند سطح آگاهی عمومی را افزایش داده و از مشارکت ناخواسته افراد در فعالیت‌های غیرقانونی جلوگیری کنند.

به‌طور کلی، راهکارهای پیشگیرانه‌ای که بر مبنای رویکردهای فقهی طراحی می‌شوند، نه تنها مشروعیت دینی سیاست‌های جنایی را افزایش می‌دهند، بلکه کارایی نظام حقوقی در مدیریت تهدیدات نوظهور مانند پول‌شویی رمزارزی را نیز تقویت می‌کنند.

۴- پیشنهادها و راهکارهای سیاست جنایی مبتنی بر اصول فقهی

جهت مدیریت چالش‌های پیچیده و چندوجهی رمزارزها، سیاست جنایی باید از رویکردی جامع بهره گیرد که اصول و قواعد فقهی را در کنار ملاحظات حقوقی و فنی لحاظ کند. مفاهیم فقهی، به دلیل داشتن ظرفیت‌های منعطف و کاربردی، می‌توانند در طراحی سیاست‌های پیشگیرانه و تنظیم‌گری، نقشی حیاتی ایفا کنند. در این راستا، سیاست جنایی مبتنی بر فقه نه تنها به دنبال پیشگیری از جرایم اقتصادی مرتبط با رمزارزها مانند پول‌شویی است، بلکه با ایجاد چارچوبی مشروع و کارآمد، به تسهیل فعالیت‌های مشروع اقتصادی نیز کمک می‌کند.

این بخش به بررسی نقش قواعد فقهی در تنظیم‌گری رمزارزها و همچنین ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از سوءاستفاده‌های اقتصادی در این حوزه می‌پردازد. این پیشنهادها، باهدف ارتقای شفافیت، کاهش ریسک‌های اقتصادی و تقویت مشروعیت مقرراتی ارائه شده‌اند تا سیاست جنایی ایران بتواند همسو با تحولات فناوری، به اهداف خود دست یابد.

۱-۴- نقش قواعد فقهی در تنظیم‌گری رمزارزها

تنظیم‌گری رمزارزها یکی از الزامات حیاتی در سیاست جنایی ایران است که به دلیل ماهیت پیچیده و چندوجهی رمزارزها،

رمزارزی کمک می‌کنند، می‌تواند از گسترش جرایم در این حوزه جلوگیری کند.

در نتیجه، استفاده از قواعد فقهی در تنظیم‌گری رمزارزها نه تنها مشروعیت دینی این سیاست‌ها را تضمین می‌کند، بلکه موجب کارآمدی و انطباق بیشتر با نیازهای جامعه اسلامی می‌شود.

۱-۱-۴- تأسیس چارچوب حقوقی با استفاده از اصول فقهی

برای مدیریت رمزارزها و پیشگیری از سوءاستفاده‌هایی نظیر پول‌شویی، بهره‌گیری از اصول فقهی می‌تواند راهکارهای عملی و مؤثری ارائه دهد. در گام نخست، تأسیس یک چارچوب حقوقی جامع و کارآمد که بر پایه اصول فقهی بنا شده باشد، ضروری است. قواعدی نظیر «قاعده لاضرر» و «قاعده اهم و مهم» می‌توانند در طراحی این چارچوب نقش محوری ایفا کنند. این مفاهیم با تأکید بر ممانعت از آسیب به منافع عمومی و ارائه اولویت به مصالح کلان جامعه، امکان تدوین قوانینی متناسب با شرایط نوظهور رمزارزها را فراهم می‌آورند.

همچنین، برای کنترل و مدیریت رمزارزها، ایجاد سامانه‌های نظارتی قوی باتکیه بر قواعد فقهی، از جمله «قاعده حرمت اعانه برائتم»، ضروری است. این اصل فقهی ایجاب می‌کند که هرگونه تسهیل‌گری در ارتکاب جرم، مانند پول‌شویی از طریق رمزارزها، ممنوع اعلام شود و سازوکارهایی طراحی گردد که انتقالات مالی مبتنی بر رمزارزها تحت نظارت دقیق قرار گیرند. نظارت کارآمد مستلزم همکاری نهادهای مختلف، از جمله بانک مرکزی، قوه قضاییه، و مراجع فقهی است. علاوه بر این، تنظیم مقررات شفاف و صریح درباره استفاده از رمزارزها که با اصول معاملات اسلامی مطابقت داشته باشد، از دیگر راهکارهای پیشنهادی است. در این راستا، باید اطمینان حاصل شود که معاملات رمزارزی خالی از مصادیقی همچون «ربا»، «غرر» و «اکل مال به باطل» باشند. به‌عنوان مثال، ایجاد پلتفرم‌های رمزارزی بومی که ضوابط شرعی در طراحی و عملکرد آن‌ها رعایت شده باشد، می‌تواند

هم امنیت اقتصادی و هم مشروعیت فقهی را تأمین کند. سرانجام، یکی از ابزارهای مؤثر در پیشگیری از پول‌شویی و دیگر جرائم مرتبط با رمزارزها، ارتقای آگاهی عمومی است. از طریق آموزش‌های تخصصی و عمومی در زمینه خطرات و پیامدهای سوءاستفاده از رمزارزها و آگاهی‌بخشی نسبت به اصول و موازین فقهی حاکم بر این حوزه، می‌توان فرهنگ استفاده مسئولانه از این فناوری را ترویج داد. بدین ترتیب، با ترکیب اصول فقهی و سازوکارهای عملی سیاست جنایی، می‌توان نظامی جامع و مؤثر برای مدیریت رمزارزها در ایران طراحی و اجرا کرد.

۲-۱-۴- نقش قاعده فقهی "سد ذرایع" در پیشگیری از سوءاستفاده از رمزارزها

قاعده فقهی "سد ذرایع" به‌عنوان یکی از اصول کلیدی در نظام فقه اسلامی، نقشی مهم در جلوگیری از زمینه‌سازی برای ارتکاب اعمال ناصحیح یا غیرمشروع ایفا می‌کند. این قاعده باهدف ممانعت از هر عملی که ممکن است به ارتکاب گناه یا جرم منتهی شود، ابزار مؤثری در سیاست جنایی برای مدیریت رمزارزها و پیشگیری از سوءاستفاده‌های مرتبط، از جمله پول‌شویی، ارائه می‌دهد (میرخلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). در زمینه رمزارزها، قاعده "سد ذرایع" می‌تواند به مسدودکردن منافذ و راه‌های سوءاستفاده از این فناوری نوظهور کمک کند. به‌عنوان مثال، عدم نظارت یا شفافیت کافی در پلتفرم‌های رمزارزی می‌تواند به تسهیل جرایمی نظیر پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و فرار مالیاتی منجر شود. براین اساس، اعمال مقررات سخت‌گیرانه برای ثبت و احراز هویت کاربران، نظارت بر تراکنش‌ها، و الزام به گزارش‌دهی فعالیت‌های مشکوک می‌تواند به‌عنوان مصادیق اجرایی این قاعده مطرح شود. علاوه بر این، قاعده "سد ذرایع" می‌تواند مبنای فقهی برای ممنوعیت یا محدودیت استفاده از رمزارزهایی باشد که به دلیل ماهیت غیرشفاف یا ناشناس بودن آن‌ها، بیشترین پتانسیل را برای استفاده در جرائم مالی دارند. در چنین شرایطی، سیاست جنایی باید به سمت تشویق استفاده از رمزارزهایی حرکت کند که از فناوری‌های قابل‌ردیابی و شفافیت بیشتری برخوردارند. از سوی دیگر، آموزش و

آگاهی بخشی به کاربران در مورد مخاطرات حقوقی و فقهی استفاده نادرست از رمزارزها، نیز از منظر قاعده "سد ذرایع" ضروری است. برگزاری کارگاه‌ها، تدوین راهنماهای شرعی و حقوقی، و ایجاد نهادهای مشاوره‌ای در این زمینه، می‌تواند به کاهش زمینه‌های وقوع جرم کمک کند. در نهایت، سیاست‌گذاران باید با بهره‌گیری از این قاعده، مقرراتی تدوین کنند که پیش از وقوع جرم، زمینه‌های سوءاستفاده را از بین برده و بستر استفاده مشروع و سالم از رمزارزها را فراهم کنند. این رویکرد نه تنها با اصول فقه اسلامی سازگار است، بلکه به تقویت امنیت اقتصادی و اجتماعی نیز منجر خواهد شد.

۲-۴- تدوین قوانین کیفری ویژه رمزارزها

باتوجه به پیچیدگی‌ها و چالش‌های حقوقی و فقهی مرتبط با رمزارزها، تدوین قوانین کیفری ویژه برای مدیریت این حوزه از الزامات اساسی سیاست جنایی ایران محسوب می‌شود. قوانین موجود به دلیل ماهیت سنتی خود، غالباً نمی‌توانند پاسخگوی جرایم نوظهوری باشند که در نتیجه استفاده از فناوری‌های رمزارزی به وجود آمده‌اند؛ لذا ایجاد چارچوب قانونی جدید و جامع که اصول فقهی و مقتضیات حقوقی معاصر را در نظر بگیرد، ضروری به نظر می‌رسد.

از منظر فقهی، قوانینی که برای مدیریت رمزارزها تدوین می‌شوند، باید مبتنی بر قواعدی مانند "لاضرر"، "سد ذرایع"، و "اهم و مهم" باشند. این اصول می‌توانند مبنایی برای جرم‌انگاری فعالیت‌هایی نظیر پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم، و کلاهبرداری‌های رمزارزی فراهم کنند. به‌عنوان مثال، "قاعده لاضرر" ایجاب می‌کند که قوانینی برای جلوگیری از سوءاستفاده از رمزارزها که به ضرر نظام اقتصادی و امنیت اجتماعی منجر می‌شوند، وضع شود (ساداتی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۷).

یکی از الزامات کلیدی در این زمینه، تعریف دقیق و جامع جرایم رمزارزی است. این تعریف باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند رفتارهای مجرمانه مرتبط با فناوری بلاک‌چین و رمزارزها را شناسایی و جرم‌انگاری کند. برای مثال، فعالیت‌هایی نظیر ایجاد پلتفرم‌های غیرقانونی، استخراج

غیرمجاز رمزارزها، و انجام تراکنش‌های پنهان باید به طور مشخص در قوانین کیفری موردتوجه قرار گیرند. علاوه بر این، قوانینی که تدوین می‌شوند باید نظارت و کنترل دقیق بر صرافی‌ها و پلتفرم‌های رمزارزی را الزامی کنند. در این راستا، ملزم‌سازی این نهادها به احراز هویت کاربران و ارائه گزارش‌های مالی به نهادهای نظارتی، گامی اساسی در پیشگیری از وقوع جرایم محسوب می‌شود. در نهایت، برای تضمین اثربخشی قوانین کیفری، باید ساختارهای اجرایی قوی، نظیر دادگاه‌ها و مراجع تخصصی برای رسیدگی به جرایم رمزارزی، ایجاد شود. تدوین این قوانین و ایجاد نهادهای تخصصی مرتبط، نه تنها در راستای تقویت سیاست جنایی ایران است، بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی به فناوری‌های مالی جدید نیز خواهد شد.

۱-۲-۴- تحلیل نمونه‌های تطبیقی از کشورهای اسلامی

بررسی تجربه کشورهای اسلامی در مواجهه با رمزارزها می‌تواند راهگشای تدوین سیاست‌های جنایی مناسب در ایران باشد. بسیاری از کشورهای اسلامی، با بهره‌گیری از اصول شریعت و اجتهاد فقهی، چارچوب‌های حقوقی و نظارتی ویژه‌ای برای مدیریت فناوری‌های مالی جدید، از جمله رمزارزها، تدوین کرده‌اند. این کشورها در تلاش هستند تا ضمن جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی و جرایم مرتبط، تعادل میان نوآوری‌های فناوری و الزامات فقهی را برقرار کنند.

به‌عنوان نمونه، مالزی با استفاده از قواعد فقهی مانند "سد ذرایع" و "لاضرر"، مقرراتی جامع برای مدیریت رمزارزها وضع کرده است. کمیسیون اوراق بهادار مالزی، به‌عنوان نهاد ناظر، صرافی‌های رمزارزی را ملزم به اخذ مجوز و رعایت معیارهای شرعی کرده است (Al-Amri, R et al., 2021: 5). این کشور همچنین از فناوری بلاک‌چین در شفافیت تراکنش‌ها استفاده کرده و با طراحی ابزارهای نظارتی، امکان رهگیری تراکنش‌های مشکوک را فراهم آورده است.

عنوان پول قانونی^۱ شناخته نمی‌شوند. ماده ۲۰۴ قانون مزبور نیز بانک مرکزی مصر را مجاز می‌سازد که رمزارزهای ملی یا ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) را بررسی و منتشر کند و سیاست‌های مربوط به آن را تعیین نماید (عبدالقادر، ۲۰۲۳: ۷۱). این بدان معناست که مصر امکان توسعه رمزارز ملی را بررسی می‌کند. در مورد جرایم مربوط به ارزهای دیجیتال در مصر با توجه به غیرقانونی بودن فعالیت‌های مربوط به رمزارزها بدون مجوز، برخی اقدامات، جنبه مجرمانه دارند و مستحق کیفر هستند؛ از جمله: فعالیت بدون مجوز (شامل: انجام معامله، استخراج یا ارائه خدمات مرتبط با رمزارزها بدون کسب مجوز از بانک مرکزی یا مراجع مربوط)، کلاهبرداری و پولشویی (استفاده از رمزارزها برای اهداف مجرمانه مثل پولشویی، تأمین مالی تروریسم یا کلاهبرداری)، ترویج فعالیت‌های غیرمجاز: (تبلیغ و تشویق عموم به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های رمزارزی یا پلتفرم‌های فاقد مجوز، که طبق قوانین تبلیغاتی و تجاری مصر جرم محسوب می‌شود.^۲ در مورد فتاوا و نظرات مذهبی دارالافتای مصر (نهاد رسمی صدور فتوا) در سال‌های اخیر فتوایی صادر توسط این نهاد شرعی مبنی بر حرام بودن معاملات رمزارزها، به دلیل نوسانات شدید قیمت، عدم پشتوانه و امکان سوءاستفاده در فعالیت‌های غیرقانونی صادر شده است. مصر فعلاً رویکردی محدودکننده و محتاطانه نسبت به ارزهای دیجیتال دارد. هرگونه فعالیت در این حوزه نیازمند مجوز از بانک مرکزی است و استفاده از رمزارزها به عنوان ابزار پرداخت ممنوع است. همچنین با توجه به خطرات بالقوه، جرایم مرتبط با ارزهای دیجیتال تحت نظارت و پیگرد قانونی قرار دارند.

۳-۴- تقویت نظارت و شفافیت در نظام مالی

۳-۴-۱- پیشنهادهایی برای اصلاح سیستم نظارتی

در امارات متحده عربی، اصول فقهی در کنار چارچوب‌های حقوقی مدرن به کار گرفته شده‌اند. دبی به‌عنوان یکی از مراکز مالی پیشرو، سیاست‌هایی وضع کرده که در عین حفظ تطابق با احکام شریعت، از توسعه فناوری‌های مالی حمایت کند (AI-Tawil, 2022: 35). قوانین این کشور، فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها را به‌دقت نظارت کرده و با شناسایی زمینه‌های پول‌شویی و جرایم مالی، برخورد قانونی را تسهیل نموده است.

در عربستان سعودی، با تأکید بر قاعده "اهم و مهم"، اقدامات سخت‌گیرانه‌ای در برابر سوءاستفاده‌های رمزارزی اتخاذ شده است. بانک مرکزی این کشور ضمن ممنوعیت برخی فعالیت‌های غیرقانونی، استفاده از فناوری‌های مالی را در چارچوب مقررات خاصی که با شریعت سازگار هستند، مجاز دانسته است (AI-Farouqi, 2024: 36). تجربه این کشورها نشان می‌دهد که استفاده از اصول فقهی، به‌ویژه قواعدی مانند "سد ذرایع" و "لاضرر"، می‌تواند پایه‌ای مستحکم برای تنظیم مقررات رمزارزی فراهم کند. برای ایران نیز لازم است که با بهره‌گیری از این تجربیات تطبیقی و بومی‌سازی آن‌ها، سازوکاری جامع و منطبق بر الزامات شرعی و مقتضیات قانونی طراحی شود. این امر نه تنها از جرایم مالی و پول‌شویی پیشگیری می‌کند، بلکه باعث اعتمادسازی و توسعه پایدار در حوزه فناوری‌های مالی خواهد شد.

در مصر، تراکنش با ارزهای دیجیتال با محدودیت‌های قانونی و نظارتی همراه است. این کشور با رویکردی محافظه‌کارانه نسبت به ارزهای دیجیتال برخورد می‌کند. مصر ارزهای دیجیتال را به طور رسمی به عنوان وسیله پرداخت به رسمیت نمی‌شناسد. بانک مرکزی مصر (CBE) چندین بار در سال‌های اخیر هشدارهایی در مورد استفاده از رمزارزها منتشر کرده است. ماده ۲۰۶ قانون بانک مرکزی مصر (قانون شماره ۱۹۴- مصوب ۲۰۲۰)، استفاده از ارزهای دیجیتال برای پرداخت کالا و خدمات در داخل کشور غیرقانونی است، مگر اینکه مجوز رسمی از بانک مرکزی صادر شده باشد. پس به طور کلی رمزارزها در حقوق مصر به

¹ legal tender

² <https://www.cbe.org.eg/ar/news-publications/news/2023/03/08/warning-statement>

۴- آموزش و فرهنگ‌سازی

نهادهای مالی و نظارتی می‌بایست دوره‌های آموزشی و برنامه‌های آگاهی‌بخشی برای آحاد جامعه و فعالان اقتصادی ارائه دهند. این اقدامات در راستای تبیین اصول شریعت و الزامات قانونی برای کاربران رمزارزی، از ایجاد انحرافات مالی جلوگیری می‌کند.

۴- تقویت ساختارهای نظارتی فقهی و قانونی

ایجاد شوراهای فقهی-حقوقی با همکاری نهادهای اجرایی می‌تواند به‌عنوان مرجعی برای تصمیم‌گیری درباره مسائل پیچیده رمزارزی عمل کند. این شوراها قادر خواهند بود با تلفیق اصول فقهی و فناوری‌های جدید، الگوهای نظارتی کارآمدی طراحی کنند.

در نهایت، بهره‌گیری از اصول فقهی در کنار اصلاح سیستم نظارتی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای شفافیت و پیشگیری از جرایم مالی در بستر رمزارزها شود. این رویکرد همسو با تعالیم اسلامی و نیازهای روز جوامع اسلامی خواهد بود.

۲-۳-۴- نقش فناوری‌های جدید در پیشگیری از جرایم رمزارزی

پیشرفت فناوری‌های نوین در حوزه مالی و دیجیتال، ظرفیت‌های جدیدی برای پیشگیری از سوءاستفاده‌های مجرمانه مرتبط با رمزارزها ایجاد کرده است. این فناوری‌ها در کنار قواعد فقهی، به‌ویژه قاعده "سد ذرایع"، می‌توانند بستر لازم برای مقابله با جرایم رمزارزی و ایجاد شفافیت در نظام مالی را فراهم کنند. یکی از فناوری‌های کلیدی در این زمینه، تحلیل داده‌های کلان^۲ است که به شناسایی الگوهای مشکوک در تراکنش‌های عظیم رمزارزی کمک می‌کند. این ابزار می‌تواند مواردی نظیر پول‌شویی یا تأمین مالی تروریسم را شناسایی کرده و اقدامات پیشگیرانه را تسریع کند.

هوش مصنوعی نیز نقش مهمی در این فرایند ایفا می‌کند. الگوریتم‌های یادگیری ماشینی با تحلیل رفتارهای تراکنشی،

در راستای مدیریت مؤثر رمزارزها و پیشگیری از جرایمی نظیر پول‌شویی، تقویت نظارت و شفافیت در نظام مالی ضروری است. اصول فقهی، به‌ویژه قاعده "لاضرر" و "سد ذرایع"، ظرفیت قابل‌توجهی در تدوین سیاست‌های نظارتی ایفا می‌کنند. بر اساس این اصول، جلوگیری از ایجاد خلأهای نظارتی که منجر به سوءاستفاده از رمزارزها شود، الزامی است.

۱- شفاف‌سازی فرایندهای مالی

یکی از چالش‌های عمده در زمینه رمزارزها، نبود شفافیت در تراکنش‌های مالی است. برای رفع این مشکل، پیشنهاد می‌شود که نظام بانکی و مؤسسات مالی موظف به ثبت دقیق و به‌روزرسانی داده‌های مربوط به تراکنش‌های رمزارزی شوند. ایجاد سامانه‌های مشترک میان بانک مرکزی، صرافی‌ها و نهادهای نظارتی می‌تواند به ردیابی مؤثر جریان‌های مالی کمک کند.

۲- طراحی ابزارهای نظارتی هوشمند

استفاده از فناوری‌های نظارتی مبتنی بر هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده‌ها، امکان شناسایی سریع تراکنش‌های مشکوک را فراهم می‌کند. این ابزارها می‌توانند با رصد الگوهای رفتاری کاربران، موارد انحراف از ضوابط شرعی و قانونی را شناسایی و گزارش دهند.

۳- الزام به احراز هویت کامل

یکی از الزامات اساسی، شناسایی هویت کاربران رمزارزی در پلتفرم‌های تبادل است. با اتکا به قاعده "سد ذرایع"، می‌توان از بروز فعالیت‌های مجرمانه جلوگیری کرد. الزام پلتفرم‌ها به اجرای پروتکل‌های "شناسایی مشتری"^۱ و گزارش‌دهی دقیق به نهادهای نظارتی، راهکاری عملی در این زمینه است.

^۱ شناسایی مشتری یا KYC (Know Your Customer): شناسایی مشتری فرایندی است که مؤسسات مالی برای تأیید هویت مشتریان خود انجام می‌دهند. هدف آن جلوگیری از پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است. این فرایند شامل جمع‌آوری اطلاعات شخصی و مدارک شناسایی مشتریان می‌شود.

^۲ Big Data

مالی، به‌ویژه پول‌شویی، پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان داد که اصول و قواعد فقهی، به‌عنوان چارچوبی منعطف و جامع، ظرفیت قابل‌توجهی در تدوین و اجرای سیاست‌های کیفری مرتبط با رمزارزها دارند. قواعدی همچون "سد ذرایع"، "لاضرر" و "اکل مال به باطل" می‌توانند مبنای شرعی مناسبی برای مقابله با سوءاستفاده‌های احتمالی از رمزارزها و تقویت شفافیت مالی باشند. تحلیل چالش‌های موجود در نظام سیاست جنایی ایران بیانگر ضعف قوانین موجود و ناکارآمدی نظارت بر تراکنش‌های رمزارزی است. این کاستی‌ها بستر مناسبی برای فعالیت‌های مجرمانه‌ای همچون پول‌شویی فراهم کرده‌اند. در همین راستا، راهکارهای پیشنهادی تحقیق شامل تدوین قوانین کیفری ویژه رمزارزها، تقویت نظارت و شفافیت با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، و هماهنگی میان نهادهای داخلی و بین‌المللی برای مقابله با جرایم رمزارزی ارائه شد. بررسی تطبیقی با کشورهای اسلامی نیز نشان داد که سیاست‌های مبتنی بر مفاهیم فقهی می‌توانند به‌عنوان الگویی بومی در مدیریت رمزارزها، از یک سو با تحولات اقتصادی همگام باشند و از سوی دیگر، با حفظ چارچوب‌های اخلاقی و شرعی، از وقوع جرایم پیشگیری کنند. به‌طور کلی، ترکیب اصول و قواعد فقهی با ابزارهای مدرن نظارتی و فناوری‌های نوین، رویکردی جامع برای پیشگیری از جرایم رمزارزی و تقویت امنیت مالی ارائه می‌دهد که شایسته توجه و توسعه بیشتر در سیاست‌گذاری‌های آینده است. برای تکمیل بحث پیرامون نقش رویکرد فقهی در سیاست جنایی و مدیریت رمزارزها، مطالعات تطبیقی میان نظام‌های حقوقی اسلامی و تحلیل چگونگی بهره‌گیری از این اصول در دیگر کشورها، می‌تواند به شفافیت و ارتقای سیاست‌گذاری‌ها کمک کند. همچنین، ارزیابی تجربی و عملی اثرات پیشنهادی سیاست‌گذاری ارائه‌شده در زمینه پیشگیری از پول‌شویی رمزارزی، به‌ویژه در بستر نظام حقوقی ایران، برای تعیین کارایی این راهکارها و اصلاحات آتی ضروری است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، تمام ملاحظات اخلاقی از جمله صداقت، رعایت امانت، حقوق مالکیت فکری و هنجارهای شرعی و قانونی رعایت شده است.

موارد غیرمعمول را شناسایی و پیش‌بینی وقوع جرایم را ممکن می‌سازند. استفاده از بلاک‌چین‌های شفاف که امکان دسترسی محدود برای نهادهای نظارتی فراهم می‌کند، می‌تواند ردیابی تراکنش‌ها را بهبود بخشد و مانع از سوءاستفاده‌های احتمالی شود. این اقدام بر مبنای قاعده فقهی "لاضرر"، ضمن حفظ شفافیت، عدالت و امنیت مالی را تضمین می‌کند. فناوری قراردادهای هوشمند یکی دیگر از راهکارهای پیشگیرانه است که با اجرای خودکار تراکنش‌ها مطابق با الزامات شرعی و قانونی، انحرافات احتمالی را به حداقل می‌رساند. همچنین، ابزارهای شناسایی هویت دیجیتال^۱ که بر اصول "احراز هویت مشتری" و "مبارزه با پول‌شویی"^۲ استوار هستند، امکان جلوگیری از استفاده غیرقانونی از رمزارزها را فراهم می‌کنند. در کنار این اقدامات، همکاری بین‌المللی از طریق ایجاد سامانه‌های ردیابی و نظارتی مشترک، می‌تواند به مقابله با ماهیت فراملی جرایم رمزارزی کمک کند. این سامانه‌ها با فراهم‌آوردن اطلاعات شفاف و دقیق، به تقویت اعتماد عمومی و رعایت عدالت در نظام مالی بین‌المللی یاری می‌رسانند. در مجموع، ترکیب فناوری‌های نوین با مفاهیم فقهی همچون "سد ذرایع" و "لاضرر"، به‌عنوان راهکاری جامع، می‌تواند به طور مؤثری در پیشگیری از جرایم رمزارزی و ایجاد شفافیت و عدالت در نظام مالی نقش‌آفرینی کند. این رویکرد نه تنها از وقوع جرایم پیشگیری می‌کند، بلکه زمینه‌ساز تقویت ساختارهای نظارتی و تحقق الزامات اخلاقی و شرعی نیز خواهد بود.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی نقش رویکرد فقهی در سیاست جنایی ایران برای مدیریت رمزارزها و پیشگیری از جرایم

۱ هویت دیجیتال (Digital ID): یک شناسه الکترونیکی است که برای تأسیس هویت آنلاین افراد به کار می‌رود. این ابزار، که می‌تواند شامل اطلاعات بیومتریک یا داده‌های شخصی باشد، برای شناسایی و تأیید هویت افراد در فضاهای دیجیتال استفاده می‌شود.

۲ مبارزه با پول‌شویی (AML - Anti-Money Laundering): مجموعه‌ای از اقدامات قانونی و نظارتی که هدف آن جلوگیری از تبدیل پول‌های غیرقانونی به دارایی‌های قانونی است. این قوانین شامل شناسایی منابع درآمدی مشکوک، پیگیری تراکنش‌ها، و گزارش‌دهی فعالیت‌های مشکوک می‌شود.

تعارض منافع: تألیف این مقاله، بدون هرگونه تعارض منافع انجام شده است.

سهم نویسندگان: مهدی خاقانی اصفهانی، به عنوان نویسنده مسئول و اول، طراحی ایده و جمع‌آوری عمده منابع و تألیف عمده متن مقاله و انجام کل اصلاحات را برعهده داشته است. مجتبی گودرزی، نویسنده دوم، جمع‌آوری بخشی از منابع و تألیف بخش اندکی از مقاله را انجام داده است. محمدرضا کنعانی، نویسنده سوم، همکاری فرعی و جانبی داشته است.

تقدیر و تشکر: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع

- عبدالقادر، مصطفی محمود (۲۰۲۳)، مکافحه جرائم التجنب الضریبی الدولی فی ضوء أنشطة الأقتصاد الرقیمی، مجلة الإسکندریة للعلوم المحاسبیة، العدد ۳۸.

- اختری بروجنی، مرضیه، شکرچی‌زاده، محسن، قاسمی کهریز سنگی، راضیه. (۱۴۰۲). «بررسی ابعاد اقتصادی سیاست جنایی (کیفرمدار) امنیت محور از منظر فقه و حقوق کیفری». فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۵(۳): ۳۱-۴۶. doi: 10.2334/ejs.1403/23389976

- آسیان لایمی، مرتضی، و حبیبیان، مجید. (۱۴۰۰). «تحلیل فقهی مشروعیت رمزارزها (مورد مطالعه: بیت‌کوین)». مجله پژوهش‌های فقهی و اصولی دانشگاه علامه طباطبایی، سال سی‌ام، شماره ۲ (پیاپی ۲۸۱): ۲۸۱-۲۹۴.

- انصاریان، مجتبی. (۱۴۰۲). «واکاوی حقوقی ارزهای دیجیتال از گستره محلی تا جهانی با مطالعه نظام حقوقی ایران و فقه امامیه». فقه جزای تطبیقی، ۳(۱): ۸۷-۹۹. doi: 10.2034/jccj.2023.352307.1058

- جلیلی، عباس، پیلهور، مرضیه، صادقی شهپر، علی. (۱۴۰۲). «بررسی ماهیت فقهی ارز دیجیتال و نقش آن در پیشگیری

از جرم پول‌شویی». فقه جزای تطبیقی، ۳(۱): ۱۷-۲۹. doi: 10.2034/jccj.2023.370685.1133

- حبیبی دهکردی، احسان، ابافت، رسول. (۱۴۰۱). «مواجهه فقهی حقوقی با رمزارزها در مسیر جهانی شدن - یک ضرورت». دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۱(۱): ۸۹-۱۰۰. doi: 10.0473/clk.2022.63505.3058100

- زند اقطاعی، فاطمه. (۱۳۹۸). «بررسی فقهی و حقوقی اعانه برائتم در فضای سایبر با راهبرد پیشگیری». دوفصلنامه مطالعات فقهی، ۲(۲)

<https://civilica.com/doc/1742526>

- ساداتی، سید محمدمهدی، مهدوی، محمود، حسینی، سید محمد. (۱۳۹۶). «مبانی جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه». مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴(۱): ۱۱۱-۱۳۴. doi: 10.2059/jqclcs.2017.245619.1256134

- سلطانی فرد، جواد، محمدی، احمد. (۱۴۰۳). «کاوشی نو در گستره مفهومی قاعده «نفی غرر» و انطباق‌سنجی خریدوفروش «ارزهای رم‌زپایه» با آن». پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۵(۴): ۸۳۷-۸۸۲. doi: 10.10497. law.0497.2458137,3494

- شعبانی، امیرمحسن، محسنی دهکلانی، محمد، ابراهیمی، سعید. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی قانونی‌سازی بیت‌کوین». پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، ۴(۱): ۲۰۹-۲۳۸. doi: 10.2080.20.14135,1137/lps

- صفاری، علی، صابری، راضیه، خلیلی پاجی، عارف. (۱۳۹۹). «کارکردهای مجرمانه ارزهای مجازی: تحلیل جرم‌شناختی و راهکارهای پیشگیرانه». دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۷(۱۸): ۲۲۳-۲۵۰.

- علوی وثوقی، سید یوسف، غلامی، هادی. (۱۴۰۲). «نگاهی نو به ماهیت فقهی رمزارزها و معاملات آن». پژوهش‌نامه فقه اجتماعی، ۱۱(۲): ۳۳۷-۳۵۸. doi: 10.2334/ejs.1403/23389976

- Al-Tawil, T. N. (2022). "Anti-money laundering regulation of cryptocurrency: UAE and global approaches". *Journal of Money Laundering Control*, 26(6): 1150–1164. <https://doi.org/10.1108/jmlc-07-2022-0109>
- Arief Jailani, M., & Muneeza, A. (2023). "Crypto assets: The need for Shariah screening criteria for digital assets in Malaysia". *International Journal of Islamic Economics and Finance Research*, 1: 27–47. <https://doi.org/10.53840/ijiefer111>
- Wiwoho, J., Trinugroho, I., Kharisma, D. B., & Suwadi, P. (2023). "Islamic crypto assets and regulatory framework: Evidence from Indonesia and global approaches". *International Journal of Law and Management*, 66(2): 155–171. <https://doi.org/10.1108/ijlma-03-2023-0051>
- عیوضلو، حسین، رضائی صدراآبادی، محسن، نوری، جواد. (۱۳۹۹). «تحلیل فقهی - حقوقی مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی». *اقتصاد اسلامی*، ۲۰(۷۷): ۱۸۳–۲۱۰.
- فیضی چکاپ، نبی، غلام، و صادقی، سید شهاب‌الدین. (۱۴۰۰). «بررسی قانونی رمز ارز در آیین مقررات‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا». فصلنامه مطالعات نوین بانکی، ۱۱(۴). <https://civilica.com/doc/1495196>
- گیلک، فاطمه، خاکسار، داود، شیروی، مهسا. (۱۴۰۳). «علل رشد و راهکارهای مبارزه با جرم پول‌شویی از طریق بیت‌کوین در حقوق ایران». پژوهش‌های حقوقی، ۲۳(۵۹): ۳۴۷–۳۷۸.
- محمودی، امیررضا، و قوامی پور سرشکه، محدثه. (۱۴۰۱). «چالش‌های حقوقی ارزهای دیجیتال با رویکردی بر بزه پول‌شویی». *مطالعات حقوقی فضای مجازی*، ۳(۱): ۳۷–۵۲. <https://doi.org/10.30495/cyberlaw.2022.696726>
- میرخلیلی، سید احمد. (۱۴۰۲). «نقش تهیه و تنظیم سیاست جنایی مبتنی بر فقه در ناظر ساختن و کارکرد بخشیدن به قانون در قبال واقعیت اجتماعی». فصلنامه دین و قانون، ۱۹(۶): ۱۰۸–۱۴۹.
- میرخلیلی، سید محمود. (۱۳۹۰). «سد ذرائع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه‌های اسلامی». *حقوق اسلامی*، ۸(۳۱): ۹۵–۱۲۵.
- Al-Amri, R., Al-Shami, S., Esmail Abualrejal, H. M., Al-Sharafi, M. A., & Yahya Alormuza, T. K. (2021). "Role of Shariah compliance on Cryptocurrency Acceptance among Malaysians: An empirical study". *2021 International Conference on Intelligent Technology, System and Service for Internet of Everything (ITSS-IOE)*, 1–6. IEEE. <https://doi.org/10.1109/itss-ioe53029.2021.9615291>
- Al-Farouqi, A. (2024). "The role of Maṣ laḥ a (public interest) in determining fatwas on cryptocurrency in Muslim-majority countries". *Maqsha: Journal of Islamic Jurisprudence*, 1(1): 32–41.